

بررسی تأثیر فساد اداری بر سلامت مالی در نظام بانکی ایران^۱

مهدی قائمی اصل^۲

فیروز ولایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۹

چکیده

صنعت بانکداری، بخش مهمی از اقتصاد هر کشور است. سلامت نظام بانکی کشور به‌عنوان اصلی‌ترین کانال سیاست‌گذاری و سنگ بنای نظام اقتصادی، از اهمیت بالایی برخوردار است. این مقاله، به بررسی تأثیر فساد اداری بر عملکرد نظام بانکداری بدون ربا در ایران پرداخته است. نمونه آماری مورد استفاده در این پژوهش، ۲۱ بانک فعال در بورس اوراق بهادار در بازه ۱۳۹۵-۱۳۸۶ است. به‌منظور مدل‌سازی پژوهش، از مدل پانل دیتای نامتوازن و روش حل GMM استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف نگرش «گریس چرخ‌ها» که فساد اداری را به‌عنوان مشوقی برای کارمندان دولت برای انجام وظایف‌شان قلمداد می‌نماید، فساد اداری نه‌تنها، منجر به افزایش درآمد خالص به ازای هر واحد سرمایه بانکی نمی‌شود، بلکه کاهش سودآوری بانکی (نسبت سود خالص به کل دارایی) را نیز به دنبال دارد؛ بنابراین، فساد اداری در نظام بانکی، نقش «شن و ماسه در چرخ‌ها» را ایفا می‌کند. مهم‌ترین راهکار عملیاتی برای مقابله با فساد اداری در نظام بانکی، افزایش کیفیت و مراحل نظارت بانک مرکزی بر اجرای درست قوانین، در کنار افزایش جریمه‌ها و اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص بانک‌های خاطی است.

واژگان کلیدی: فساد اداری، فساد مالی، معیارهای سلامت مالی، حق‌الوکاله

طبقه‌بندی JEL: D73، G21، D53

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم، به راهنمایی نویسنده اول، استخراج شده است.

۲. استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول):

m.ghaemi@khu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، گرایش بانکداری اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران:

firoozvalaei@gmail.com

۱. مقدمه

بانک‌ها به عنوان مؤسسات مالی و خدماتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در گردش پول و ثروت جامعه بر عهده دارند و از این‌رو، از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد هر کشور برخوردارند. فعالیت مطلوب و مؤثر بانک‌ها می‌تواند در رشد بخش‌های مختلف اقتصادی و افزایش سطح کمی و کیفی تولیدات، آثار مهمی بر جای گذارد (احمدیان، ۱۳۹۴). بانک‌ها نقش مهمی در هدایت منابع مالی کمیاب از سپرده‌گذاران به سرمایه‌گذاران در همه کشورها ایفا می‌کنند. کارآیی و ثبات بخش بانکی به‌عنوان عامل مؤثر بر رشد اقتصادی، بویژه در اقتصادهای کمتر توسعه یافته، در نظر گرفته می‌شود. لیکن سلامت نظام بانکی، امروزه یکی از مهم‌ترین عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده نظام اجتماعی-اقتصادی است که گاه، ارتباط تنگاتنگی با نظام سیاسی آنها نیز پیدا می‌کند. سلامت این نظام، از جمله به معنای فقدان هرگونه مظاهر فساد اداری و مالی در آن است.

فساد، یک مشکل رایج در سراسر جهان بوده، که قرن‌ها در فرهنگ‌های مختلف وجود داشته است (Lee & Guven, 2013). فساد به‌طور معمول، به‌عنوان سوءاستفاده فرد از منافع عمومی برای منافع شخصی، تعریف می‌شود (Svensson, 2005). فساد، عدالت را در جامعه تضعیف می‌کند، ارزش‌های دموکراتیک و اخلاقی را به خطر می‌اندازد و پیشرفت اقتصادی را کند می‌کند (Bao et al., 2014). فساد همچنین در تبانی، انتصاب‌های فامیلی، تقلب، اختلاس، سوءاستفاده از قدرت دولت و دیگر فعالیت‌های مرتبط، آشکار می‌شود. در ادبیات مربوط به زنجیره فساد-توسعه، فساد به‌طور گسترده، به انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینی، ترکیب هزینه‌های دولت، سرازیر شدن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأثیر کمک‌های بین‌المللی و در نتیجه، برای رشد اقتصادی زیان‌آور است (Reinikka and Svensson, 2004; Aidt, 2009; Amarandei, 2013; Avnimelech et al., 2014).

در سال‌های اخیر، فساد به موضوع و معضل مهم اقتصادی کشورمان بدل شده، به‌طوری‌که افکار عمومی را به خود جلب کرده و جو روانی منفی را در سطح کشور به وجود آورده است. بانک‌ها به‌عنوان مؤسساتی هستند که وظیفه آنها، تضمین و تأمین گردش پول و اعتبارات و خدمات مالی است. ثبات و جریان آنها، نقش بسزایی در رشد اقتصادی، بخصوص در کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارد (King and Levine, 1993; Boyd et al., 2005; Krozner et al., 2005). در سیستم بانکداری ایران، به تدریج از سال ۱۳۷۴ در مطبوعات منتشر شد؛ جایی که پرده از اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات برداشت. اختلاسی که در سال ۱۳۷۱ کشف شد و در این مسیر، برخی از ویژگی‌های تأثیرگذار، در کانون توجه عمومی در ایران قرار گرفت و اخیراً هم، پدیده اختلاس ۳ هزار میلیاردی سال ۱۳۹۱ در سیستم بانکی نمایان شد، درحالی‌که در سال‌های بعد، روند کشف این اختلاس‌ها ادامه داشت (اسلامی و حاج ده آبادی، ۱۳۹۷).

بررسی مسائل مربوط به فساد در بانک‌های ایران در سال‌های اخیر، نشان‌دهنده کمبود و عدم شفافیت داده‌ها و عدم صلاحیت سیستم نظارت آنها است (Heshmati Molaei, 2007). توجه به فساد در سیستم بانکی، از دو جهت دارای اهمیت است: ۱- از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و روانشناسی، آسیب‌هایی که بر بانک می‌گذارد، ممکن است به بی‌اعتمادی و نادیده گرفتن امنیت آن از سوی مشتریان و در نتیجه -در صورت ادامه شرایط- به ورشکستگی بانک منجر شود (Eide, 1995). فساد در سیستم بانکی، می‌تواند نتایج ناخوشایند را در مورد عملکرد سیستم بانکی و گسترش بازار سیاه ایجاد نماید (Heshmati Molaei, 2007).

با توجه به جایگاه نظام بانکداری و نقش آن، که سنگ بنای فعالیت‌های اقتصادی است، توجه به سلامت اداری این نهاد مهم، از اهمیت ویژه برخوردار است. هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر فساد اداری در سیستم بانکداری به‌عنوان عاملی مؤثر در رشد و توسعه بانک‌های ایران است. این مطالعه، به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که آیا فساد اداری در بانک، می‌تواند تأثیر مثبتی بر سودآوری بانک داشته باشد؟ و یا به عبارتی، فساد در بخش بانکی عامل توسعه و رشد بانک است؟ که این دیدگاه، به «گریس چرخ‌ها» معروف است؛ و یا برعکس فساد اداری به‌عنوان دیدگاه «شن و ماسه چرخ‌ها» عمل می‌کند و تأثیر منفی در رشد و توسعه بانک دارد؟

در این مطالعه برای بررسی وجود یا عدم وجود فساد اداری، از بسته‌های سیاستی نظارتی که هر ساله توسط بانک مرکزی به‌صورت بخشنامه ابلاغ می‌شود و تعیین‌کننده نرخ حق‌الوکاله بانک است، به‌عنوان شاخص ادراک فساد اداری بانک و از شاخص‌های سودآوری، به‌عنوان یک سیستم هشداردهنده سریع که وضعیت سلامت مالی بانک را نشان می‌دهد، به‌عنوان شاخص سلامت مالی استفاده شده است. فرضیه اصلی این پژوهش عبارت است از:

فرضیه اول: فساد اداری بانک‌ها، تأثیر منفی و معنی‌داری بر روی سلامت مالی بانکی دارد.

سایر فرضیه‌های پژوهش که به دلیل ورود متغیرهای کنترل دورن بانکی و برون بانکی به تصریح‌های رگرسیون مورد بررسی قرار می‌گیرند، عبارتند از:

فرضیه دوم: نسبت حقوق صاحبان سهام، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سلامت مالی بانک دارد.

فرضیه سوم: اندازه بانک، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سلامت مالی بانک دارد.

فرضیه چهارم: نسبت وام، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سلامت مالی بانک دارد.

فرضیه پنجم: رشد دارایی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سلامت مالی بانک دارد.

فرضیه ششم: بین تورم و سلامت مالی بانک، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

1. Grease the Wheels
2. Sand the Wheels

فرضیه هفتم: رشد اقتصادی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سلامت مالی بانک دارد. هدف اصلی این پژوهش، تبیین و بررسی وجود فساد اداری در نظام بانکی و تأثیر آن در سلامت مالی نظام بانکی در نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس، در ادامه، پس از تبیین مبانی نظری و ادبیات پژوهش، روش پژوهش و نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش، و در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش ارائه شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

سلامت نظام بانکی یک کشور، نقش مهمی در ساختار نظام اجتماعی-اقتصادی یک جامعه ایفا می‌کند. سلامت نظام بانکی به مفهوم عدم وجود همه مظاهر فساد اداری و مالی در آن است؛ بنابراین، وجود فساد چه از نوع اداری یا مالی در این نهاد، با تأکید بر این موضوع که امتیاز اعتماد عمومی، به عنوان شاه‌کلید ادامه حیات این نهاد، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به طوری که وجود فساد در این نهاد مهم، چه از لحاظ اقتصادی و چه، از لحاظ اجتماعی و روانشناختی، تأثیرات منفی بر عملکرد آن می‌گذارد که موجب بی‌اعتمادی نسبت به امنیت آن از سوی مشتریان و عموم جامعه و در نتیجه - در صورت ادامه شرایط - منجر به ورشکستگی بانک می‌شود (Eide, 1995).

فساد یک پیامد انعکاسی از نهادهای حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور است. فساد، می‌تواند پاسخی به قوانین سودمند یا مضر باشد. به عنوان مثال، فساد در پاسخ به قوانین سودمند، زمانی ظاهر می‌شود که افراد رشوه می‌دهند تا از مجازات برای رفتار مضر فرار کنند و یا هنگامی که نظارت بر قوانین ناقص باشد (Svensson, 2005).

فساد می‌تواند بازتابی از بی‌نظمی و دیکتاتوری باشد، زمانی که شخصی به دلیل رشوه، از مجازات افراد خاطی چشم‌پوشی می‌کند، فساد ناشی از بی‌نظمی می‌شود و زمانی که مقامات با هدف دریافت رشوه و یا حمایت از افراد یا سازمان‌های خاص، قوانین مضر را برای دور زدن قوانین دیگر وضع می‌کنند (Djankov et al., 2003).

فساد زمانی رخ می‌دهد که مقامات دولتی از قدرت عمومی برای مزایای خصوصی سوءاستفاده کنند (Tanzi, 1998).

هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال عمومی و استفاده نامشروع از اختیارات و قدرت به منظور بهره‌وری از امکانات مالی برای کسب منافع شخصی، فساد مالی نام دارد (دادگر، ۱۳۸۳).

اشکال ویرانگر فساد شامل انحراف و سرقت مستقیم و جوه برای برنامه‌های عمومی و آسیب‌های ناشی از شرکت‌ها و افرادی است که برای دور زدن قوانین سلامتی و ایمنی به قصد سود بردن از مردم، رشوه می‌دهند (Svensson, 2005).

فساد اداری

فساد اداری، شامل استفاده از رشوه‌خواری و فریبندگی است تا افراد و شرکت‌های خاص بتوانند مالیات خود را پایین بیاورند، از مقررات فرار کنند، و یا قراردادهای خرید پایین را به دست بیاورند (Bhargava, 2005).

فساد اداری، قانون‌شکنی‌های متعددی را در رابطه با فعالیت‌های دولتی شامل است و یا بنا به تعریفی دیگر، فساد اداری حالتی در نظام اداری است که در اثر تخلفات مکرر کارکنان به وجود می‌آید و مانع از کارایی و اثربخشی مورد انتظار آنها می‌شود (نجاری، ۱۳۷۸). برای درک فساد اداری در نظام بانکی، می‌توان عوامل اثرگذار بر سلامت اداری (و زمینه‌های بروز فساد اداری) در بانک‌های ایران را این‌گونه برشمرد:

۱. **ضعف نظام نظارتی:** نظارت در لغت، به معنای نگاه کرد و در اصطلاح حقوقی به معنای داشتن اختیار قانونی برای دقت و بررسی و سنجش اعمال اشخاصی است که موردنظر قانون‌گذار یا شخص ناظر است (مدنی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۸۵). وجود سیستم نظارت کارآمد: سیستم‌های نظارتی یکی از توانمندسازی‌های اصلی استراتژی مبارزه با فساد محسوب می‌شوند. در این راستا، تدوین رویه‌های نظارتی مناسب و قابل کاربرد برای بخش عمومی و نیز تشکیل آژانس‌های تخصصی مبارزه با فساد، به‌عنوان مرجع مستقل رسیدگی به شکایات، نقش انکارناپذیری در پیشگیری از فساد ایفا می‌کند (الوانی، ۱۳۸۹).
۲. **ضعف نظارت درون‌سازمانی:** اصولاً مؤثرترین و کارآمدترین نظارت‌ها، نظارتی است که در درون سازمان‌ها و نهاده‌ها اعمال می‌شود که به آن، خط مبارزه نیز گفته می‌شود. مدیران درستکار و بالیافت، مراکز حسابرسی دقیق، قوانین شفاف، اصول اخلاقی و ... همه می‌توانند از بروز تخلف‌ها و مفاسد جلوگیری کنند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹).
۳. **عرف‌های نادرست اداری:** اگر استخدام و ترفیع کارکنان بر اساس سنت‌ها و عرف‌های درست اداری، مانند شایسته‌سالاری و مسؤولیت‌پذیری باشد، به همان میزان، احتمال وقوع فساد کاهش می‌یابد. در کشورهایی که مناسبات اجتماعی بر اساس روابط (به‌جای ضوابط) است، که به کنار زدن افراد کاردان، گسترش پدیده تبارگماری و خویشاوندسالاری و سپردن مشاغل حساس و مدیریتی به افراد فاقد تخصص، مهارت، صلاحیت علمی و شرایط احراز در سازمان‌های دولتی و حکومتی می‌انجامد فساد در مجموع زمینه مساعدتری خواهد داشت (فرج پور، ۱۳۸۳: ۲۷۴).

۴. **کارآمدی نظام تشویق و تنبیه:** تنبیه نشدن خطاکاران و تشویق یا پاداش نگرفتن کارمندان پرتلاش و دارای بهره‌وری بالا، انگیزه را برای فعالیت درست و سالم از میان می‌برد و در نتیجه، آنان به قوانین و وظایف خود بی‌اعتنا می‌شوند (جدی، ۱۳۸۹).
۵. **ساختار اداری ناکارآمد و ضعیف:** وجود بخش اداری حجیم نامتناسب با اهداف و وظایف، پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، وجود تبعیضات در زمینه‌های استخدام، انتصاب و ارتقای افراد، باعث عدم کارایی نظام اداری می‌شود (قادری، ۱۳۸۸).
۶. **وجود نظام بوروکراسی لجام‌گسیخته:** که مشوقی بر دور زدن قوانین توسط افرادی است که خواستار استفاده از روش‌های تسریع در کار هستند تا بتوانند کارهای خود را خارج عرف‌های و قوانین اداری انجام دهند (فرج پور، ۱۳۸۳: ۲۷۳).
۷. **ضعف سرمایه انسانی:** نظریه‌پردازان سرمایه انسانی استدلال می‌کنند که توسعه انسانی و سرمایه‌گذاری در آموزش و سرمایه انسانی، باعث ایجاد ثبات سازمانی می‌شود که برای رفع تمایلات فساد لازم است (Seleim and Bontis, 2009). به‌عنوان مثال (Svensson, 2005) دریافته است که کشورهای فاسد، میزان ضعیفی از سرمایه انسانی را دارا می‌باشند.
۸. **بیکاری پنهان در نظام اداری:** گستردگی بیش‌ازاندازه دستگاه‌های اداری و استخدام نیروی کار مازاد بر نیاز، باعث ایجاد بیکاری پنهان کارکنان می‌شود و این مسأله، فرصت مناسب برای پرداختن به کارهای فسادآلود است (جدی، ۱۳۸۹).
۹. **عدم آگاهی ارباب‌رجوع نسبت به حقوق خود:** عدم آگاهی ارباب‌رجوع نسبت به حدود وظایف دستگاه‌های دولتی و سطح خدماتی که این دستگاه‌ها ملزم به ارائه آن هستند، می‌تواند زمینه‌ساز بروز فساد اداری شود (فرج پور، ۱۳۸۳: ۲۷۵).

فساد مالی

سطح این نوع فساد بر اساس نقش دولت و میزان حضور دولت در اقتصاد، متفاوت است؛ برای مثال، در کشورهای پیشرفته، نقش دولت محدود به بخش کلان شده است، اما کشورهای در حال توسعه، دولت نقش فعالی در تمامی ابعاد زندگی مردم نه تنها به‌عنوان کارفرما، بلکه به‌عنوان تنظیم‌کننده امور و تولیدکننده بزرگ دارا بوده و به دلیل فقدان بخش خصوصی قدرتمند، افزایش دامنه فعالیت بخش دولتی و ایجاد محدودیت از جانب دولت در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، زمینه فساد در این نوع کشورها بالا است (زرندی و همکاران، ۱۳۹۵).

فساد مالی، همزاد با تشکیل حکومت در جوامع مطرح بوده است؛ یعنی از زمان تشکیل حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوءاستفاده از اختیارات و فساد مالی نیز شکل گرفته و همواره تهدیدی جدی برای جامعه و منابع عمومی بوده و هست (دادگر و معصومی نیا؛ ۱۳۸۳: ۱۱). در واقع این نوع فساد، اعمال و رفتاری غیرقانونی است که باعث ازدیاد ثروت و شکاف عمیق طبقاتی در جامعه می‌گردد و اختلال در نظم اقتصادی را در پی دارد (محمد نبی، ۱۳۸۰).

فساد به‌عنوان «شن و ماسه چرخ‌ها» یا «گریس چرخ‌ها»

اغلب نظراتی که در مورد وجود و شیوع فساد در جوامع وجود دارد، مدعی آن هستند که فساد مانعی بر سر راه رشد، توسعه و بالندگی کشور و جامعه جهانی خواهد بود. به‌عنوان مثال شلیفر و ویشنی (Shleifer and Vishny, 1993)، با بررسی وضعیت فساد در روسیه، فیلیپین و کشورهای آفریقایی، به این نتیجه رسیده‌اند که فساد، تأثیرات زیان‌آوری بر رشد اقتصادی دارد. آنها همچنین با اشاره به این موضوع که نظام اداره مرکزی ضعیف، سطح بالایی از رشوه را کسب‌وکار خصوصی در روند اداری خود متحمل می‌شود، استدلال می‌کنند که فساد می‌تواند هزینه‌زا باشد.

از طرفی، استدلال آنها بر این است که رقابت اقتصادی و سیاسی می‌تواند سطح فساد و عوارض جانبی آن را کاهش دهد. ماورو (Mauro, 1995)، در مقاله‌ای، رابطه بین فساد و تولید ناخالص داخلی سرانه را در یک مقطع عرضی چهارساله (۱۹۸۳-۱۹۸۰) در ۶۸ کشور مورد بررسی قرار داده است. وی همچنین ثابت کرد که فساد، تأثیرات منفی بر رشد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) از طریق کاهش در سرمایه‌گذاری دارد.

براندت هیرتستت و چیتینا (Brandt Hjertstedt and Cetina, 2016)، در مقاله‌ای استدلال می‌کنند که فساد می‌تواند با توجه به ساختار دولت، قدرت مؤسسات، اصلاحات بازار و درگیری‌های موجود، نتایج متفاوتی را بر رشد اقتصادی داشته باشد؛ به‌طوری‌که در کشورهای جنوب صحرائی، بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند به دلیل وجود ساختار حکومتی ضعیف و نفوذ فساد سیستماتیک، باعث رشد منفی اقتصادی شود؛ این درحالی‌است که در کشورهای جنوب شرقی آسیا، بی‌ثباتی سیاسی، با توجه به قدرت سیاسی دولت، نتیجه بدتری را بر رشد اقتصادی نداشته و این ساختار حکومت است که بر چگونگی تأثیر فساد بر اقتصاد تصمیم می‌گیرد.

مون و سککا (Meon and Sekkat, 2005)، استدلال می‌کنند، فساد زمانی که دولت مرکزی ناکارآمد و قوانین ضعیف هستند، می‌تواند تأثیر زیان‌آوری بر رشد اقتصادی داشته باشد.

1. Sand the wheels
2. Grease the wheels

پلگرینی و گرله (Pellegriani and Gerlagh, 2004)، ارتباط بین چندین شاخص مانند سیاست تجاری، سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری و ثبات سیاسی را با فساد و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار دادند. آنها تأثیر منفی فساد بر رشد اقتصادی را یافتند. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که فساد از طریق کانال‌های تأثیر مستقیمی بر سرمایه‌گذاری، تحصیل، سیاست‌های تجاری و ثبات سیاسی دارد و در نتیجه، تأثیر غیرمستقیم بر رشد اقتصادی می‌گذارد.

پاپیلا و هوو (Papilla and Covo, 2011)، در پژوهشی، تأثیر منفی فساد بر رشد اقتصادی برای ده کشور عضو اتحادیه اروپا را از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که فساد، رابطه منفی و مستقیمی با رشد اقتصادی دارد و بدون تأخیر زمانی قابل توجهی رخ می‌دهد، نتایج مربوط به دوره پژوهش‌های مربوط به کروواسی، با داده‌های مشاهده شده دیگر کشورها همخوانی دارد.

در این زمینه، مطالعات زیادی وجود دارد که فساد، تأثیر منفی بر رشد و توسعه اقتصادی دارد.^۱ این دیدگاه‌ها معمولاً به دیدگاه «شن و ماسه چرخ‌ها» معروف است؛ اما مطالعاتی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد، فساد عامل توسعه و رشد اقتصادی است که به دیدگاه «گریس چرخ‌ها» معروف است. هانتینگتون (Huntington, 1968)، مکانیسمی را نشان می‌دهد که از طریق آن، فساد می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد. رشوه می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا از مقررات سخت بوروکراتیک اجتناب کنند و رشوه، می‌تواند به‌عنوان مشوقی برای افزایش بهره‌وری کارمندان دولت باشد. لویی (Lui, 1985)، استدلال می‌کند که تنظیم برنامه و تلاش‌های مقامات دولتی را می‌توان از طریق رشوه مؤثرتر کرد.

لف (Lef, 1964)، در مقاله خود، فساد اداری را به‌عنوان عاملی برای توسعه اقتصادی معرفی، و استدلال می‌کند، فساد در شرایط نا اطمینانی، می‌تواند سرمایه‌گذاری را بالا ببرد. وی دلیل می‌آورد که شرایطی مانند تغییرات شدید عرضه و تقاضا در آینده، به علت نبود اطلاعات، می‌تواند برآوردها را تحت تأثیر قرار دهد و با توجه کشش پایین‌تر جایگزینی در سطوح پایین درآمدی، خطراتی بازار را تهدید می‌کند؛ خطراتی مانند نقش دولت در اقتصاد، اقدامات خودسرانه، تصمیمات غیرمنطقی در آن، تغییرات مکرر در پرسنل و سیاست‌ها که این خطرات را افزایش می‌دهد. می‌توان این واقعیت را مشاهده نمود که در دوره‌های عدم اطمینان و بحران سیاسی، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و رکود اقتصادی رخ می‌دهد.

۱. به عنوان مثال:

(Mauro, 1998; Brunetti & Weder, 1998; Mo, 2001; Barreto, 2001 و Bonnett, 2004)

فساد می‌تواند سرمایه‌گذاران را قادر سازد تا این تأثیر مهم را در محیط خود کنترل کنند. فساد از نوآوری‌ها حمایت می‌کند، نوآوران و افراد مبتکر معمولاً در جامعه توسعه نیافته، نمی‌توانند با استفاده از محصول جدید خود در اقتصاد رقابت کنند و معمولاً برای حمایت و سرمایه‌گذاری به سمت دولت کشیده می‌شوند، و اگر بوروکراسی از نوآوری حمایت کند، نوآوری می‌تواند در اقتصاد ایجاد شود؛ در غیر این صورت، یک مبتکر اقتصادی می‌تواند با حمایت از احزاب سیاسی، فرصت ارائه نوآوری خود را پیدا کند.

فساد عاملی برای بهره‌وری و رقابت است، از آنجایی که خدماتی که در اختیار قسمت اداری (بروکرات‌ها) می‌باشد، خیلی محدود است و این امر باعث رقابت بین شرکت‌های تجاری می‌شود. از طرفی، رشوه عامل تخصیص منابع است؛ از این رو، جمع‌آوری درآمد از ذخایر فعلی به عامل مهمی تبدیل می‌شود و در بلندمدت، تولید وابسته به آن خواهد بود و از این طریق، بهره‌وری بالا می‌رود.

چن و همکاران (Chen *et al.*, 2015)، در مقاله‌ای، به این نتیجه رسیدند که سطح بالایی از فساد، باعث افزایش رفتار مخاطره‌آمیز بانک‌ها، به نفع دیدگاه «شن و ماسه» در زنجیره رابطه فساد و توسعه می‌شود. پس از کنترل عوامل مختلف محیطی و شرطی، از جمله ویژگی‌های بانک‌ها، کشورها، سیاست‌های نظارتی، شرایط اقتصاد کلان، تصویب بیمه سپرده، رقابت در بازار و قدرت حاکمیت قانون، تأثیر منفی فساد با افزایش ریسک بانکی و تأثیر آن بر ثبات بانکی، عمدتاً با کاهش میزان سودآوری بانک‌ها قابل مشاهده است. سیاست پولی انبساطی اعمال شده از طرف بانک مرکزی، به کاهش نرخ بهره بانک منجر می‌شود؛ از این رو، سودآوری و سلامت مالی بانک را به خطر می‌اندازد؛ چراکه فساد جدی‌تر، بانک‌ها را تشویق به مشارکت در وام‌های با ریسک بیشتر می‌کند.

بوگاتیف (Bougatef, 2015)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر فساد بر و پایداری بانک‌های اسلامی"، به بررسی تأثیر فساد بر سلامت بانک‌های اسلامی پرداخته است. در این پژوهش، از شاخص ادراک فساد (CPI)، برای اندازه‌گیری سطح فساد، در کشورهای مورد مطالعه استفاده شده است. متغیر وابسته در این پژوهش، مطالبات غیر جاری بانک‌ها (NPF) است. این پژوهش، شواهد مهمی را ارائه می‌کند که فساد به‌طور قابل توجهی، مشکلات در مطالبات غیر جاری بانک‌ها را تشدید می‌کند و از این رو، سلامت بانکی را از بین می‌برد. رابطه بین NPF و CI مثبت و قابل توجه است. این شواهد، باید یک پیام مفید برای هیأت‌مدیره کمیسیون شریعت به همراه داشته باشد تا نقش نظارتی خود را بهبود بخشد تا اطمینان حاصل کند که بانک‌ها از دستورالعمل اخلاقی آنها منحرف نمی‌شوند. بوگاتی (Bougatef, 2017)، به بررسی تأثیر سطح فساد در سودآوری بانک‌ها بانک تجاری در تونس در طول سالهای ۲۰۱۴-۲۰۰۳ می‌پردازد. این پژوهش، رابطه مثبت بین سودآوری بانک و سطح فساد را نشان می‌دهد. نتایج همچنین بیانگر این است که در بانک‌های تجاری تونس، فساد

در نتیجه عدم وجود رقابت شدید بین بانک‌ها و فساد موجود در وام‌دهی که به افزایش هزینه‌ها برای گیرنده وام و افزایش درآمد برای بانک منجر می‌شود، تأثیر شگفت‌آوری بر سود بانکی دارد. ایادین و بالتاک (Ayaydin & Baltac, 2013)، در مطالعه نقش فساد و توسعه بانکداری در توسعه بازار سهام، به این نتیجه رسیده‌اند که یک رابطه مثبت بین توسعه بخش بانکداری و توسعه بازار سهام در کشورهای نوظهور قابل مشاهده است. در این مطالعه، تأثیرات سطح فساد بر بازار سهام مورد بررسی قرار گرفته و همچنین بررسی شده است که چگونه بخش بانکداری نسبت به تغییرات سطح رشوه‌خواری، واکنش نشان می‌دهد. این نتیجه، نشان می‌دهد که اثرات مخرب فساد در این کشورها، مهم‌تر از اثرات مثبت توسعه بخش بانکداری است. این یافته، همچنین نشان می‌دهد که با وجود توسعه بخش بانکی، میزان تأثیر فساد بر توسعه بازار سهام، زیان‌بار بوده است.

آرشاد و ریزوی (Arshad & Rizvi, 2013)، در مطالعه‌ای، به تجزیه و تحلیل تأثیر فساد بر سودآوری بانک اسلامی پرداخته‌اند. با استفاده از مجموعه داده‌های پانل که شامل ۳۰۰ مشاهده از ۱۰ بانک منحصربه‌فرد در طول دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۰ است. نتایج نشان می‌دهد که فساد، تأثیر مثبت قابل توجهی بر سودآوری بانک از طریق فقدان نظارت رسمی و قوانین استاندارد شده با فساد، از سوی نهادهای استاندارد سرمایه‌گذاری اسلامی دارد. از این رو، ایجاد محیط امن و به‌دوراز فساد، اگرچه، به کاهش سودآوری بانک‌ها منجر می‌شود، اما از طریق تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، حامیان بالقوه دولتی، به‌طور کلی، شکل و رشد توسعه بخش‌ها را تحت تأثیر قرار داده و به افزایش کارایی اقتصادی منجر می‌شوند.

ابریوم (Aburime, 2010)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر فساد در سودآوری بانک در نیجریه"، با استفاده از مجموعه داده پانل شامل ۳۵۸ مشاهدات از ۴۸ بانک منحصربه‌فرد در طول دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶، نتایج رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) نشان می‌دهد که فساد، تأثیر مثبت قابل توجهی بر سودآوری بانک در نیجریه دارد. نتایج اعتماد به اتهامات مبنی بر پیشرفت بانک‌ها در نیجریه از فساد در کشور را تأیید می‌کند. در این مقاله، از اطلاعات سازمان شفافیت بین‌الملل برای اندازه‌گیری سطح فساد استفاده شده است. این مطالعه، نشان می‌دهد که عدم اجرای درست قوانین از سوی بانک‌ها و نبود نظارت کافی از سوی سازمان‌های ذیصلاح، موجب سوءاستفاده بانک‌ها از فضای فسادآلود می‌شود. این مقاله، بر نظارت بیشتر سازمان‌های مربوط، به‌عنوان کانال و شریان مهم فساد مالی و همچنین اجرای درست قوانین توسط بانک‌ها، تأکید می‌کند.

مونگیر و طاهر (Mongir and Tahir, 2011)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر فساد بر سودآوری بانک در کشورهای آسه آن (اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایلند، فیلیپین و ویتنام)"، با استفاده از نمونه‌هایی از ۴۷۵ بانک فعال در این شش کشور، به این نتیجه رسیده‌اند که سودآوری بانکداری، مربوط به محیط داخلی و حاکمیت داخلی است؛ همچنین عواملی مانند نسبت بالایی از هزینه‌های

کارکنان به کل هزینه^۱ و نسبت کل بازدهی حقوق صاحبان سهام به کل دارایی^۲، عوامل مثبت و تأثیرگذار بر سودآوری هستند و عواملی مانند کفایت سرمایه^۳، وام‌های خالص به دارایی‌های کل^۴ و هزینه نسبت به درآمد^۵، با سودآوری بانک رابطه منفی دارند. شاخص فساد^۶ نیز رابطه مثبتی با سودآوری دارد و اهمیت آن برای سوددهی، نشان‌دهنده توانایی شرکت‌های بانکی برای لذت بردن از منافع در یک محیط حکومتی بد است.

مروری بر ادبیات پژوهش

پژوهشگر (پژوهشگران)	روش یا مدل	هدف	نتایج
شاهچرا و جوزانی (۱۳۹۵)	پانل دیتا	بررسی تنوع‌پذیری درآمدها و تأثیر آن بر سودآوری در شبکه بانکی کشور	تأثیر بازدهی دارایی‌ها با یک وقفه بر سودآوری، مثبت و معنادار است. درآمدهای غیر بهره‌ای، تأثیر مثبت بر سودآوری دارد. نسبت کفایت سرمایه نیز دارای تأثیر منفی بر سودآوری بانک‌ها است. نسبت وام به دارایی، نیز تأثیر مثبت بر سودآوری بانک‌ها دارد.



1. Ratio of Personnel Expenses to Total Cost
2. Equity to Total Assets
3. Regulatory Capital
4. Net Loan Total Asset
5. Cost to Income Ratio
6. Corruption Index

پژوهشگر (پژوهشگران)	روش یا مدل	هدف	نتایج
فتاحی و همکاران (۱۳۹۶)	پانل آستانه	بررسی تأثیر سلامت بانکی بر سودآوری بانک تجاری ایران	متغیر کفایت سرمایه در آستانه مناسب یعنی بالای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سودآوری بانک‌های مورد بررسی دارد. این در حالی است که قرار گرفتن در آستانه پایین، تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. در مورد متغیرهای کیفیت نقدینگی، افزایش این مقدار، به کاهش درآمدزایی بانک‌ها و درنهایت، سودآوری آنها، منجر می‌شود. کیفیت مدیریت در بانک‌های کشور با استفاده از نسبت کل تسهیلات اعطاشده به کل سپرده طبق معیار کمیته بال، تأثیر معنی دار و منفی بر سودآوری بانک‌ها دارد. در بررسی متغیر کیفیت دارایی‌ها با استفاده از نسبت مانده مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات بانک، نتایج نشان می‌دهد که افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها، باعث کاهش کیفیت دارایی‌ها شده و این افزایش، تأثیر منفی بر سودآوری بانک‌ها دارد. درنهایت، افزایش متغیر حساسیت بازار (نسبت فعالیت‌های ارزی به سرمایه پایه ارزی)، به کاهش سودآوری بانک منجر می‌شود.
فرهنگ و همکاران (۱۳۹۵)	پانل پویایی وقفه دار (GMM)	درآمد غیر بهره‌ای، ریسک و سودآوری در صنعت بانکداری	رابطه مثبت و معناداری بین اندازه بانک با ریسک بانک و سودآوری بانک وجود دارد. بر اساس داده‌ها، افزایش در تمرکز بانک‌ها یا به‌نوعی کاهش در رقابت‌پذیری، کاهش سودآوری نیز رخ می‌دهد. افزایش درآمدهای غیر بهره‌ای، باعث افزایش سودآوری بانک‌ها در نظام بانکداری ایران بر اساس معیارهای ROA و ROE می‌شود. بین متغیر سپرده‌های بانکی و سودآوری و همچنین ریسک بانکی، و نیز بین شاخص‌های سودآوری و نسبت تسهیلات بانکی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

پژوهشگر (پژوهشگران)	روش یا مدل	هدف	نتایج
مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶)	رگرسیون ترکیبی	بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک	بین درصد وام‌ها نسبت به کل دارایی‌ها و سودآوری بانک‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین کیفیت دارایی‌ها و سودآوری بانک‌ها، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین سرمایه و سودآوری بانک، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. بین ساختار مالی و سودآوری بانک، رابطه معنادار و منفی وجود دارد. بین کارایی و سودآوری بانک، رابطه معنادار و منفی وجود دارد. بین اندازه و سودآوری بانک، رابطه معنادار و منفی وجود دارد. بین تنوع درآمدی و سودآوری بانک، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. بین تمرکز بخش بانکی و سودآوری بانک، رابطه معنادار و منفی وجود دارد. بین رشد اقتصادی و سودآوری بانک، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.
عزتی و همکاران (۱۳۹۵)	پانل دیتا	عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های اسلامی	متغیر اندازه بانک بر «حاشیه سود»، اثرگذار نیست؛ زیرا افزایش بیش‌ازحد دارایی‌ها به عدم صرفه‌های مقیاس می‌انجامد؛ بنابراین، اثر اندازه بانک در همه مدل‌ها نمایان نمی‌شود. نسبت حقوق صاحبان سهام هم دارای اثری ضعیف و مثبت بر متغیر «حاشیه سود» است. در گروه بانک‌های متعارف، متغیر اعتبارات اعطایی توسط بانک‌ها از تولید ناخالص داخلی، دارای رابطه منفی و معنادار با متغیر حاشیه سود است، این رابطه منفی، در بانک‌های اسلامی تأیید شده اما از نظر آماری، معنی‌دار نیست. شاخص قیمت مصرف‌کننده (معیاری از تورم)، دارای اثری معنادار بر حاشیه سود بانک‌های متعارف هستند، اما در میان بانک‌های اسلامی مورد مطالعه و در بازه زمانی مربوط، رابطه منفی بین نرخ تورم و سودآوری بانک‌ها تأیید شده اما این ارتباط از نظر آماری در سطحی پایین، معنی‌دار است. متغیر داخلی مدیریت هزینه، اثر منفی بر سودآوری بانک‌ها (برحسب حاشیه سود) و متغیر کنترلی نسبت حقوق صاحبان سهام، اثر مثبت و معنادار بر سودآوری در هر دو گروه بانک‌ها دارند.

نتایج	هدف	روش یا مدل	پژوهشگر (پژوهشگران)
<p>متغیر کلان رشد اقتصادی، تأثیر مثبتی بر سودآوری بانک‌های ایران دارد؛ درحالی‌که متغیر تورم، تأثیر منفی بر سودآوری بانک‌ها دارد. متغیر مختص بانک اندازه بانک و نسبت درآمد، تأثیر معنی‌داری روی سودآوری بانک ندارد. نسبت سرمایه و رشد سپرده‌ها، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سودآوری بانک‌ها دارد. نسبت هزینه، تأثیر منفی و معنی‌دار بر سودآوری بر بانک‌ها دارد.</p> <p>برآورد متغیرها بر بانک‌های دولتی، نشان‌دهنده آن است که متغیرهای کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی و تورم)، تأثیر معنی‌دار بر سودآوری بانک‌های دولتی ندارد. از میان متغیرهای مختص بانک، نسبت سرمایه و رشد سپرده‌ها، تأثیر مثبت معنی‌دار و اندازه بانک، تأثیر منفی و معنی‌داری روی سودآوری بانک‌ها دارد.</p> <p>در مورد بانک خصوصی، برآورد مدل نشان می‌دهد که همانند بانک‌های دولتی، متغیر کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی و تورم)، تأثیر معنی‌دار بر سودآوری بانک‌ها ندارد. نسبت سرمایه و رشد سپرده‌ها، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر سودآوری بانک‌ها دارد. اندازه بانک، تأثیر منفی و معنی‌داری روی سودآوری بانک‌ها دارد.</p>	<p>بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های ایران</p>	<p>GLS</p>	<p>قاسمی همدانی (۱۳۹۶)</p>
<p>سهم بیشتر درآمد غیر بهره‌ای، سود بالقوه بر ریسک را افزایش می‌دهد؛ بویژه هنگامی‌که بانک‌ها بیشتر در فعالیت‌های تجاری شرکت می‌کنند. وی همچنین اشاره به این نکته می‌کند که بانک‌های باکیفیت دارایی پایین نسبت به بانک‌ها باکیفیت دارایی بالا، از مزایای تنوع درآمد، سود بیشتر می‌برند.</p>	<p>بررسی اثر درآمدهای غیر بهره‌ای بر سودآوری بانک‌های هند</p>	<p>پانل دیتا</p>	<p>احمد (Ahamed, 2017)</p>
<p>کیفیت دارایی بانک‌ها در مالزی، رابطه منفی با سودآوری بانک دارد. این رابطه، نشان می‌دهد که بانک‌های مالزی باید بیشتر به اعتبار وام‌های خود توجه کنند. نسبت سرمایه به کل دارایی به‌عنوان شاخص کیفیت سرمایه، رابطه منفی را با سودآوری نشان می‌دهد. از این‌رو بانک‌هایی مالزی، نباید تمرکز بر افزایش بازدهی سرمایه داشته باشند. نقدینگی که از نسبت وام خالص به کل دارایی به دست می‌آید، رابطه مثبتی را با سودآوری نشان می‌دهد. وام‌ها بزرگ‌ترین اجزا برای سودآوری بانک می‌باشد. بازدهی عملیاتی (نسبت هزینه به درآمد کل)، تأثیر مثبتی بر سودآوری دارد؛ و این نشان می‌دهد که بانک‌ها قادر به انتقال هزینه‌های عملیاتی خود به سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات هستند. متغیرهای کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی و تورم)، رابطه مثبتی با سودآوری بانک دارد.</p>	<p>سودآوری بانک‌های اسلامی در مالزی</p>	<p>OLS</p>	<p>وایز زامان و تارمیزی (Wasiuzzaman & Tarmizi, 2010)</p>

نتایج	هدف	روش یا مدل	پژوهشگر (پژوهشگران)
میزان سرمایه، تأثیر مثبتی بر سودآوری بانک دارد. در بین متغیرهای توضیحی در دوره مطالعه، میزان سرمایه به‌طور مثبت بر سودآوری تأثیر می‌گذارد. اندازه بانک، تأثیری مثبتی بر سودآوری بانک دارد. دارایی‌های کل بانک به‌طور مثبت و قابل توجه بر سودآوری بانک تأثیر می‌گذارد. رابطه بین اندازه (دارایی‌های کل) یک بانک و سودآوری، مثبت و قابل توجه است. این امر، وجود اقتصاد مقیاس ناشی از تولید در صنعت بانکداری ایران را تأیید می‌کند. مالکیت بر سودآوری بانک، اثر منفی دارد. مالکیت می‌تواند تفاوت در عملکرد سیستم بانکداری خصوصی و عمومی را توضیح دهد؛ بنابراین، ورود بانک‌های خصوصی می‌تواند سودآوری سیستم بانکی را افزایش دهد. سهم بازار بانک، تأثیر مثبتی بر سودآوری آن دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش، سهم بازار یک بانک، تأثیر قابل توجهی بر سودآوری آن بانک دارد. به‌عنوان عواملی فراتر از کنترل بانک‌هایی که شرایط اقتصاد کلان، تورم و چرخه‌های اقتصادی را منعکس می‌کنند، تأثیر مثبتی بر سودآوری بانک دارند.	عوامل مؤثر بر سودآوری بانک در ایران	داده‌های تابلویی	ابراهیمی و همکاران (Ebrahimi et al., 2015)
نتایج متفاوتی در مورد تأثیر ریسک بر سودآوری بانک‌های چینی برحسب ROA و NIM وجود دارد. به‌طور خاص، اندازه کوچک بانک‌ها در چین NIM را افزایش می‌دهد. درحالی‌که NIM بالاتر نیز می‌تواند با نقدینگی بالاتر برای بانک‌های چین توضیح داده شود. بهره‌وری بالاتر، به ROA بالاتر برای بانک‌های چینی منجر می‌شود. رابطه مثبت بین تورم و سودآوری در بخش بانکی چین، نشان‌دهنده این واقعیت است که تورم در چین می‌تواند به‌طور کامل، پیش‌بینی‌شده و نرخ بهره بر مبنای آن تنظیم شود.	ارزیابی عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانک در چین	پانل نامتوازن	تان و فلوروس (Tan & Floros, 2012)
رابطه بین رشد بانک (رشد دارایی و رشد مالی) و سودآوری، معنادار و مثبت می‌باشد. این نظریه، نشان می‌دهد که افزایش اندازه بانک‌ها در کل دارایی، به انحصار بیشتر و افزایش هزینه‌های بهره بیشتر، به مشتری و در نتیجه، سود بیشتری انجامد؛ درحالی‌که از سوی دیگر، افزایش اندازه، ممکن است به بانک‌ها انگیزه دهد تا هزینه‌های بهره پایین را به دلیل مزیت مقیاس اقتصادی، اعمال کنند. رابطه بین بدهی بانک و سپرده‌ها به سودآوری بانک، معنادار و مثبت می‌باشد. این به دلیل واقعیت‌هایی است که افزایش سپرده‌ها، موجب افزایش سود بانک از طریق صدور وام می‌شود و این، یک منبع ارزان و مطمئن برای	بررسی رابطه بین رشد بانکی و سودآوری در منطقه شرقی آفریقا (EAC)	پانل دیتا	پاستوریک و سوییا (Pastory & Swai, 2013)

نتایج	هدف	روش یا مدل	پژوهشگر (پژوهشگران)
<p>تأمین مالی بانکی است. کفایت سرمایه، کیفیت دارایی و کارایی مدیریت، رابطه مثبت و معناداری با سودآوری بانک دارند؛ اما نقدینگی، تأثیر منفی بر سودآوری دارد. کارایی مدیریت، کیفیت دارایی و کفایت سرمایه، تأثیر مثبتی بر عملکرد بانکها دارد. افزایش بهره‌وری مدیریت، باعث افزایش پتانسیل سرمایه‌گذاری و افزایش سطح عملکرد می‌شود. از سوی دیگر، افزایش سرمایه، به چشم‌انداز آینده و رشد بانکها کمک می‌کند؛ و کیفیت دارایی بزرگ‌ترین نشان‌دهنده عملکرد بانکها، افزایش کیفیت وام در پروژه‌های صنعتی و پتانسیل سودآوری شتاب‌زده در سطح فردی است، رابطه منفی و معناداری با سودآوری بانک دارد. نقدینگی، هزینه نگهداری دارد، و به این ترتیب، این افزایش به‌طور کلی، موجب کاهش سودآوری می‌شود. بانکها باید اعتبار بین نقدینگی بالا و پایین‌ترین سطح نقدینگی را هدف قرار دهند.</p> <p>سرمایه سهامداران، ارتباط مثبت با سودآوری بانک دارد. سرمایه سهامداران مهم‌ترین و امن‌ترین سرمایه بانک برای تأمین مالی را تشکیل می‌دهند. این شکل از دارایی، مستلزم پرداخت بهره نیست؛ بنابراین هنگامی که بانک توسعه می‌یابد و پتانسیل سرمایه‌گذاری بیشتری را باز می‌کند که در عوض سود ایجاد می‌کند، سودآوری را افزایش می‌دهد.</p>			
<p>ساختار دارایی که از طریق درصد نسبی دارایی‌های بانک محاسبه می‌شود، بیان‌کننده این است که رابطه مثبتی بین درصد نسبی وام‌ها به دارایی‌های یک بانک و سودآوری آن وجود دارد. هرچه پورتفولیوی وام بانک بیشتر باشد، سود بانک بیشتر خواهد بود. کیفیت دارایی که از نسبت مطالبات غیر جاری به کل وام به دست می‌آید، رابطه مستقیم و قابل توجهی میان سودآوری بانک و کیفیت وام را نشان می‌دهد؛ زیرا دارایی‌هایی همچون مطالبات غیر جاری که درآمد برای بانک‌ها ندارند، باعث ریسک و تردیدهایی بوده که نیازمند اعتباراتی برای جبران خسارات ناشی از آن است. لذا کاهش کیفیت دارایی می‌تواند باعث کاهش سودآوری بانک شود. نقش سرمایه یا تأثیر سرمایه بانک بر سودآوری، بسته به اینکه آیا ما در مورد سودآوری دارایی‌ها یا حقوق صاحبان سهام بحث می‌کنیم، متفاوت است. نسبت سرمایه، رابطه مستقیمی با ROA به‌عنوان معیار برای سنجش سودآوری دارد و این، در حالی است که نسبت سرمایه، رابطه منفی با ROE به‌عنوان معیار برای سنجش سودآوری دارد. این</p>	<p>عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانک‌های اسپانیایی</p>	GMM	<p>ترجیلو-پونس (Trujillo-Ponce, 2013)</p>

پژوهشگر (پژوهشگران)	روش یا مدل	هدف	نتایج
			<p>نتیجه ناشی از افزایش سرمایه‌ای است که موجب کاهش هزینه‌های بدهی‌های خارجی برای بانک، و همچنین موجب افزایش سودآوری بانک از طریق معیار ROA می‌شود؛ ولی این مسأله باعث کاهش سودآوری بر اساس معیار ROE می‌شود. نرخ رشد سپرده‌ها، اندازه بانک و تنوع درآمدی، رابطه‌ای با سودآوری بانک را نشان نمی‌دهد. تمرکز بانک، رشد تولید ناخالص داخلی و تورم، رابطه معنادار و مثبتی با سودآوری بانک دارند. رشد تولید ناخالص داخلی عمدتاً از تأثیر چرخه اقتصادی بر تقاضای اعتبار توسط خانوارها و بنگاه‌ها، باعث افزایش سودآوری بانک می‌شود. نرخ تورم به علت پیش‌بینی‌های مدیریتی از تورم و تعدیلات در نرخ بهره، باعث افزایش سودآوری بانک می‌شود. در مورد تمرکز بانکی، می‌توان چنین گفت که بیشتر بانک‌های اسپانیایی برعکس خیلی از بانک‌های اروپایی، به‌صورت خرده‌فروشی فعالیت می‌کنند. نرخ بهره‌وری که از نسبت هزینه به درآمد به دست می‌آید، رابطه معنادار و مثبتی با سودآوری بانک دارد. افزایش بهره‌وری، نشان‌دهنده تأثیر مدیریت مؤثر بر سودآوری است. در نهایت، سودآوری بانکی، همبستگی منفی با نرخ بهره بانک مرکزی اروپا را نشان می‌دهد.</p>
<p>گال و همکاران (Gul <i>et al.</i>, 2011)</p>	<p>OLS</p>	<p>بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های در پاکستان</p>	<p>تأثیر متغیرهای مستقل بر ROA نشان می‌دهد که تورم، نسبت وام به دارایی، اندازه بانک، رشد اقتصادی، نسبت سپرده به کل دارایی، رابطه مثبت با ROA دارد. متغیرهای سرمایه‌گذاری بازار سهام و نسبت سرمایه به کل دارایی، رابطه منفی با ROA دارد. تأثیر متغیرهای مستقل بر ROE، در نتایج ROA بر ROE نیز صادق است. تأثیر متغیرهای مستقل بر ROCE نشان می‌دهد که نسبت وام به دارایی، اندازه بانک، نسبت سپرده به کل دارایی، سرمایه‌گذاری بازار سهام و نسبت سرمایه به کل دارایی، رابطه منفی با ROCE دارد. متغیرهای تورم و رشد اقتصادی، رابطه مثبت با ROCE دارند.</p>
<p>آلمازاری (Almazari, 2014)</p>	<p>همبستگی پیرسون، تحلیل توصیفی واریانس و تحلیل رگرسیون</p>	<p>بررسی و مقایسه عوامل داخلی مؤثر بر سودآوری بانک در عربستان و اردن</p>	<p>نتایج نشان می‌دهد که بین ROA بانک‌های عربستان با متغیرهای نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی، نسبت کل سرمایه‌گذاری به کل دارایی و نسبت دارایی نقد شونده به کل دارایی (ریسک نقدینگی)، رابطه معنی‌دار مثبت و همبستگی منفی با متغیرهای خالص تسهیلات اعتباری به کل دارایی، نسبت خالص تسهیلات اعتباری به کل تسهیلات، نسبت هزینه به درآمد و اندازه بانک وجود دارد. در همین حال، بین ROA بانک‌های اردن با متغیرهای نسبت دارایی نقد شونده به کل دارایی (ریسک</p>

پژوهشگر (پژوهشگران)	روش یا مدل	هدف	نتایج
			نقدینگی)، خالص تسهیلات اعتباری به کل دارایی، نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی و نسبت خالص تسهیلات اعتباری به کل تسهیلات، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و همبستگی منفی از بازده دارایی‌ها با نسبت هزینه به درآمد، کل سرمایه‌گذاری به کل دارایی و اندازه بانک وجود دارد. لازم به ذکر است که رابطه بین سوددهی و اندازه بانک در هر دو مدل، منفی است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، داده‌ها جمع‌آوری شده که شامل دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶ برای ۲۱ بانک است که تعداد مشاهدات ۲۳۱ است. بر اساس پیشینه پژوهش و نوع داده‌ها که به صورت ترکیبی است، این مطالعه، از مدل خود رگرسیونی خطی پانل پویا بهره جست و با توجه به اینکه متغیرهای وابسته به صورت وقفه دار وارد مدل می‌شود، از روش GMM برای برآورد مدل استفاده می‌شود.

در این پژوهش، متناسب با مبانی نظری عوامل تعیین‌کننده سودآوری به عنوان عامل سلامت مالی بانک و با توجه به ادبیات پژوهش از جمله مطالعات ابریوم (Aburime, 2010)، آرشاد و ریزوی (Arshad & Rizvi, 2013)، و مونگیر و طاهر (Mongir and Tahir, 2011)، همچنین متداول‌ترین روش ارزیابی سلامت مالی بانک‌ها بر مبنای شاخص‌های کم‌مز و با توجه به ماهیت متغیر تحت بررسی (وجود اختلاف بین حق‌الوکاله دریافتی و حق‌الوکاله قانونی به عنوان شاخص بروز فساد اداری) و نقش آن در رقابت‌پذیری بانک در جذب منابع بانکی (بدری، ۱۳۹۴) و با توجه به اصول حسابداری و رابطه موجود بین ROA و ROE و عامل مجزا کننده آن تعهدات مالی (صحت و همکاران، ۱۳۹۰)، این مطالعه از دو مدل بهره جست تا تأثیر فساد ناشی عدم اجرای صحیح قوانین و تعهدات از سوی بانک را بر روی سلامت مالی بانک بررسی کند. همچنین عوامل مؤثر بر سودآوری به عنوان شاخص سلامت مالی به دو صورت عوامل درون بانکی و عوامل کلان اقتصادی، تحت بررسی قرار گرفته است. مدل مور نظر پژوهش، به صورت زیر تصریح می‌شود:

۱. تفاوت نرخ بازدهی دارایی و بازدهی حقوق صاحبان سهام، به صورت ذیل بیان می‌شود که به سیستم دوپانت معروف است:

$$\frac{ROA}{1 - \text{نسبت بدهی}} = ROE$$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در صورت عدم وجود تعهدات مالی، ROE با ROA برابر خواهد بود.

مدل شماره ۱:

$$ROA_{i,t} = \alpha_i + \beta_1 ROA_{i,t-1} + \beta_2 DCOR_{i,t} + \beta_3 SIZ_{i,t} + \beta_4 EQR_{i,t} + \beta_5 ASMIX_{i,t} + \beta_6 ASGR_{i,t} + \beta_7 INF_t + \beta_8 GGDP_t + \varepsilon_{i,t}$$

مدل شماره ۲:

$$ROE_{i,t} = \alpha_i + \beta_1 ROE_{i,t-1} + \beta_2 DCOR_{i,t} + \beta_3 SIZ_{i,t} + \beta_4 EQR_{i,t} + \beta_5 ASMIX_{i,t} + \beta_6 ASGR_{i,t} + \beta_7 INF_t + \beta_8 GGDP_t + \varepsilon_{i,t}$$

معیارهای سودآوری به عنوان شاخص سلامت مالی در نظام بانکی

بازده دارایی‌ها (ROA): شاخص بازده دارایی، از معیارهای مهم سودآوری بوده و از تقسیم سود خالص بر کل دارایی به دست می‌آید و نشان‌دهنده سود به‌دست‌آمده از ارزش هر واحد دارایی است. از طرفی دیگر، توانایی مدیریت در استفاده بهینه از منابع واقعی سرمایه‌ای مالی بانک در خلق سود می‌باشد. پایین بودن این نسبت، نشان‌دهنده آنکه بانک از دارایی خود به نحو خوبی بهره نگرفته، و درواقع، ROA یک معیار کارآیی است.

$$ROA = \frac{\text{درآمد ناخالص}}{\text{ارزش کل دارایی}} * 100$$

بازدهی حقوق صاحبان سهام (ROE): این نسبت، از تقسیم سود بعد از کسر مالیات و متوسط کل سرمایه (حقوق صاحبان سهام) به دست می‌آید؛ و نشان‌دهنده درآمد خالص به ازای هر واحد سرمایه سهمی است و نرخ بازده سرمایه‌گذاری و توانایی بالقوه را برای تشکیل سرمایه داخلی ارزیابی می‌نماید. در شرایط تورمی، برای اینکه بانک سرمایه‌اش را در شرایط واقعی حفظ نماید، حتی به فرض نبود سود، این نسبت باید معادل نرخ تورم باشد. چنانچه این نسبت روند افزایشی را طی نماید، بیانگر بالا بودن کارآیی عملیات است (مجتهد، ۱۳۸۷: ۵۵).

$$ROE = \frac{\text{درآمد ناخالص}}{\text{حقوق صاحبان سهام}} * 100$$

عوامل مؤثر بر بروز سلامت مالی در نظام بانکی

این عوامل به دو صورت تعریف می‌شود:

الف) عوامل مختص بانک مؤثر بر سلامت مالی بانک؛

ب) عوامل کلان اقتصادی مؤثر بر سلامت مالی بانک.

الف) عوامل مختص بانک مؤثر بر سلامت مالی بانک

۱- اختلاف حق الوکاله دریافتی و حق الوکاله قانونی (DCOR)

در این مطالعه، با توجه به اهمیت نظارت و شاخص‌های آن، که هر ساله توسط بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ می‌شود، وجود اختلاف بین حق الوکاله دریافتی و حق الوکاله قانونی، به‌عنوان شاخص بروز فساد و عدم فزونی حق الوکاله دریافتی نسبت به حق الوکاله قانونی، به‌عنوان عدم بروز فساد اداری (در چارچوب یک متغیر مجازی) در نظر گرفته شده است.

۲- حقوق صاحبان سهام (EQR)

سرمایه بانک، به‌عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر سودآوری بانک محسوب می‌شود. بانک‌های دارای سرمایه بالاتر، قادر به جذب هرگونه شوک منفی هستند و فرض بر این است که دارای خطر ورشکستگی کمتر نیز می‌باشند. سرمایه بالا همچنین ممکن است سهامداران را برای نظارت بر فعالیت‌های مدیریتی تشویق کند و بنابراین، احتمال ریسک بیش‌ازحد توسط مدیران را کاهش می‌دهد (Ahamed, 2017). این نسبت که از تقسیم سرمایه (حقوق صاحبان سهام) بر کل دارایی محاسبه می‌شود، بر قدرت بازاری بانک تأثیر مثبتی را ایجاد می‌کند. نسبت‌های بزرگ‌تر سرمایه آزاد می‌توانند بانک‌ها را وادار به افزایش پرتفوی دارایی‌های ریسک‌دار در شکل وام یا اوراق بهادار کنند. علاوه بر این، نسبت سرمایه بالاتر، می‌تواند انگیزه‌های بیشتری را به سهامداران بدهد تا عملیات و استراتژی‌های مدیران را تحت نظارت قرار دهد و بدین‌وسیله، به‌طور غیرمستقیم سودآوری را تشویق کند (Tajgardoon et al., 2012).

در مطالعات زیادی از این معیار استفاده شده است. به‌عنوان مثال، مطالعاتی مانند احمد (Ahamed, 2017)، تاجگردون (Tajgardoon et al., 2012)، بوگاتیف (Bougatef, 2015) و مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶) را در این زمینه می‌توان نام برد.

$$EQR = EQ/TA$$

که در آن، EQR نشان‌دهنده نسبت حقوق صاحبان سهام؛ EQ، نشان‌دهنده حقوق صاحبان سهام و TA، نشان‌دهنده کل دارایی است.

۳- اندازه بانک (SIZ)

اندازه بانک، نشان می‌دهد که عوامل مختلف مالی، حقوقی و سایر عوامل، تا چه حد بر سودآوری بانک‌ها مؤثر هستند. یک رابطه مثبت بین اندازه و سودآوری انتظار می‌رود، زیرا بانک‌های بزرگ می‌توانند فعالیت‌های خود را متنوع کرده و در نتیجه، سود خود را افزایش دهند (Bougatef, 2017). اندازه بانک، عامل مهمی در عملکرد بانک است. اندازه را می‌توان برحسب حضور یا نبود اقتصادهای

مقیاس تعریف کرد. وجود اقتصادهای مقیاس در یک صنعت، به این معنی است که با تولید در مقیاس‌های بزرگ‌تر، ما می‌توانیم هزینه‌های آن شرکت را کاهش دهیم.

در این مطالعه، دارایی‌های ثابت بانک به‌عنوان جایگزینی برای اندازه یک بانک استفاده می‌شود. در مورد بانک‌ها، دارایی‌های ثابت آنها، نشان‌دهنده اندازه بانک بوده و واضح است که هر چه دارایی‌های ثابت ارزش بیشتر داشته باشند، اندازه آنها بزرگ‌تر است. این مطالعه، از لگاریتم دارایی ثابت به‌منظور ثبات بین این متغیر و نسبت‌های مالی دیگر در مدل رگرسیون برای اندازه‌گیری تأثیر اندازه بانک بر سودآوری استفاده کرده است (Ebrahimi et al., 2015). این شاخص در بسیاری از مطالعات (عزتی و همکاران، ۱۳۹۵)، احمد (Ahamed, 2017)، ابراهیمی و همکاران (Ebrahimi et al., 2015) و صوفیان و چونگ (Sufian & Chong, 2008)، عامل مؤثر بر سودآوری معرفی شده است.

۴- ترکیب دارایی (نسبت وام به کل دارایی) (ASMIX)

این نسبت، نمایانگر ترکیب دارایی‌های بانک است و ترکیب پرتفوی بانک را نشان می‌دهد. هر چه نسبت وام به کل دارایی بالاتر باشد، به دلیل داشتن قدرت دارایی، بانک می‌تواند سودآوری بیشتری کسب کند، چراکه بخش قابل توجهی از دارایی بانک‌ها از نوع بهره‌ای است (Ahamed, 2017). البته می‌باید به این نکته توجه شود که کیفیت دارایی در بانک، از اهمیت بالایی برخوردار است. در صورتی که میزان وام‌های نکولی بیشتر باشد، کیفیت دارایی بانک کاهش و هزینه وام‌ها افزایش می‌یابد. گارسیا هررو و همکاران (García-Herrero et al., 2009)، استدلال می‌کنند که میزان وام‌های بیشتر، می‌تواند با هزینه‌های عملیاتی بالا در زمینه تولید، خدمات و نظارت و در نتیجه، سود کمتری برای بانک‌ها همراه باشد.

بیشتر تحقیقات بانکی، به این نتیجه رسیده‌اند که سودآوری بانک‌ها، با رشد وام‌ها در پرتفوی دارایی‌های بانک، رابطه مستقیمی دارد (همان، ۲۰۰۹). افزایش وام‌ها در پرتفوی بانک معمولاً به ریسک فزاینده برای بانک‌ها منجر می‌شود که همراه با ناتوانایی بانک‌ها در پرداخت تعهدات خود نسبت به بستانکاران است. لذا بانک‌هایی که دارایی‌های با نقد شوندگی بالا نگهداری می‌کنند، احتمال بیشتری در به دست آوردن سودهای بالاتر دارند (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۶).

در بسیاری از پژوهش‌ها (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۶)، احمد (Ahamed, 2017)، (فرهنگ و همکاران، ۱۳۹۵) و (شاهچرا و جوزانی، ۱۳۹۵)، این نسبت، به‌عنوان عامل مؤثر بر سودآوری معرفی شده، و این پژوهش، از نسبت وام‌ها به کل دارایی‌های بانک، به‌عنوان متغیر ترکیب دارایی‌ها استفاده کرده است.

$$asmix = \frac{total\ loan}{total\ assets}$$

که در آن، Total loan کل تسهیلات ارائه شده توسط بانک و Total assets کل دارایی بانک را نشان می‌دهند.

۵- رشد دارایی (ASGR)

متغیر نهایی بانک، نرخ رشد سالانه دارایی‌های کل (رشد دارایی) است. دلیل استفاده از این متغیر، آن است که رشد سریع کسب‌وکار از طریق رشد دارایی، به احتمال زیاد، ابزاری برای سودآوری بانک باشد (Pennathur *et al.*, 2012; Ahamed, 2017; Nguyen, 2012). دمرژیک کونت و هویزینگا (Demirgüç-Kunt and Huizinga, 2010)، در مقاله خود، از متغیر رشد دارایی به عنوان نرخ رشد دارایی‌های واقعی بانک استفاده کرده‌اند. آنها استدلال می‌کنند که بانک‌هایی که دارای رشد سریع هستند، نه تنها درآمد و استراتژی سرمایه‌گذاری، بلکه ریسک و بازدهی متفاوتی نیز دارند. پاستوریک و سوییا (Pastory and Swai, 2013) در مقاله خود، از دو متغیر رشد دارایی و رشد مالی برای شاخص رشد بانک استفاده کرده‌اند. نرخ رشد بالاتر دارایی‌ها برای یک بانک، ممکن است منعکس‌کننده یک استراتژی توسعه تهاجمی توسط بانک باشد که به ریسک‌های بیشتر منجر می‌شود (Chen and *et al.*, 2015).

از آنجایی که سرمایه‌گذاران به دنبال حداکثر سازی سود هستند، هرگونه اطلاعاتی که از آن بتوانند رشد بانک را پیش‌بینی کنند، مورد توجه‌شان قرار می‌گیرد. فرصت رشد، نیروی محرکی برای سرمایه‌گذاران، برای سرمایه‌گذاری است. اغلب سرمایه‌گذاران به دنبال سرمایه‌گذاری در بانک‌هایی هستند که فرصت رشد بالایی دارند. بانک‌هایی که از رشد دارایی بالایی برخوردار باشند، فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر و احتمالاً بازده و سود بیشتر در آینده خواهد داشت (خادمی، ۱۳۸۸). نحوه محاسبه رشد دارایی به صورت زیر است:

$$asset\ growth = \frac{(total\ assets_t - total\ assets_{t-1})}{total\ assets_{t-1}} \cdot 100$$

ب) عوامل کلان اقتصادی مؤثر بر سلامت مالی بانک

۱- تورم (INF)

ادبیات در حال رشد، مکانیزمی را بیان می‌کند که در آن، حتی افزایش قابل پیش‌بینی در نرخ تورم نیز مانع از توانایی بخش مالی می‌شود تا منابع را به طور مؤثر تخصیص دهد. به طور خاص، نظریه‌های اخیر، بر اهمیت عدم اطلاعات متقارن در بازارهای اعتباری تأکید دارند و نشان می‌دهند که افزایش نرخ تورم بر بازار اعتباری با پیامدهای منفی برای عملکرد بخش مالی (هم بانک‌ها و هم در بازار سهام) و در نتیجه، فعالیت واقعی طولانی مدت تأثیر می‌گذارد (Hooshyari and Moghanloo, 2015).

تورم در اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که اصطکاک در بازار اعتباری را تشدید می‌کند که این شرایط در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، شدیدتر است. این شرایط، باعث فعالیت کمتر واسطه‌های مالی و اعتباری، به سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. تورم غیرقابل پیش‌بینی، می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های بانکی مانند هزینه‌های حقوقی پرداختی کارکنان و سایر هزینه‌های عملیاتی شود. اگر تورم توسط مدیریت بانک پیش‌بینی شده باشد، بانک نرخ بهره را به طور مناسب تعدیل می‌کند و باعث افزایش درآمد نسبت به هزینه می‌شود (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۵). شاخص تورم در بسیاری از مطالعات (دارابی و مولایی، ۱۳۹۰)، (شاهچرا و جوزانی، ۱۳۹۵)، تان و فلوروس (Tan & Floros, 2012) و وایزآمان و تارمیزی (Wasiuzzaman & Tarmizi, 2010)، عامل کلان اقتصاد مؤثر بر سودآوری معرفی شده است.

۲- رشد اقتصادی (GGDP)

انتظار می‌رود که تولید ناخالص داخلی بر عوامل متعدد مربوط به عرضه و تقاضا برای وام‌ها و سپرده، تأثیر بگذارد. با کاهش رشد تولید ناخالص داخلی، بویژه در زمان رکود، کیفیت اعتباری از بین می‌رود و عدم پرداخت بدهی، افزایش می‌یابد و در نتیجه، سود بانک کاهش می‌یابد (Sufian and Chong, 2008).

در این پژوهش، از تغییرات رشد اقتصادی به عنوان عامل کلان اقتصادی مؤثر بر سلامت مالی بانک‌ها استفاده می‌کنیم.

$$GGDP = \frac{(growth\ GDP_t - growth\ GDP_{t-1})}{growth\ GDP_{t-1}}$$

$growth\ GDP_t$ = تولید ناخالص داخلی در سال T

$growth\ GDP_{t-1}$ = تولید ناخالص داخلی در سال $T-1$

۴. برآورد آزمون و تفسیر نتایج مدل پژوهش

نتایج آزمون ریشه واحد

قبل از برآورد مدل و بررسی فرضیه‌ها، لازم است که ابتدا مانایی متغیرها بررسی شود؛ چراکه نامانایی متغیرها باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. به این منظور، از آزمون لوین، لین و چو (LLC) برای بررسی مانایی مدل استفاده شده است.

نتایج آزمون به شرح زیر است:

جدول ۱. نتایج آزمون LLC متغیرها در سطح

متغیر	آماره آزمون	احتمال	درجه مانایی
بازدهی دارایی (ROA)	-10.54	0.00	I(0)
بازدهی حقوق صاحبان سهام (ROE)	-14.37	0.00	I(0)
حقوق صاحبان سهام	-0.65	0.00	I(0)
فساد اداری	-3.19	0.00	I(0)
ترکیب دارایی	-4.70	0.00	I(0)
اندازه بانک	-21.85	0.00	I(0)
رشد دارایی	-15.51	0.00	I(0)
نرخ تورم	-10.27	0.00	I(0)
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اسمی	-27.08	0.00	I(0)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج در جدول، می‌توان بیان کرد که برای تمامی متغیرهای مدل، فرضیه صفر مبنی بر نامانایی متغیرها در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، رد می‌شود و تمامی متغیرهای الگو در سطح صفر، مانا هستند و مشکل رگرسیون کاذب وجود ندارد.

علاوه بر آزمون لوین، این و چو، آزمون‌های دیگری از جمله ایم، پسران و شین، فیشر- دیکی فولر و فیشر- فیلپس پرون نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است؛ که کلیه آزمون‌های مورد بررسی، بر مانایی مدل تأکید می‌کنند.

نتایج آزمون سارگان

به‌منظور بررسی اعتبار متغیرهای ابزاری و تأیید اعتبار نتایج، از آزمون سارگان (با آماره J) استفاده شده است. نتایج، در دو جدول زیر شده است.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون سارگان مربوط به مدل شماره ۱

آماره J	30.6
احتمال آماره J	0.76

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون سارگان مربوط به مدل شماره ۲

آماره J	37.49
احتمال آماره J	0.44

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برآورد و تفسیر نتایج مدل پژوهش

در این قسمت از مطالعه، به نتایج برآورد مدل رگرسیونی و به بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری و سلامت مالی بانک‌های در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. برآورد مدل طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶ و با استفاده از مدل خود رگرسیونی پانل پویا با بهره‌گیری از روش گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) صورت گرفته است.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد مدل ROA

متغیر	ضریب آزمون	آماره t	احتمال
وقفه بازدهی دارایی	-1.18	-2.06	0.041
نسبت حقوق صاحبان سهام	3.13	2.05	0.04
فساد اداری	-0.0074	-2.12	0.035
ترکیب دارایی	-0.03	-1.13	0.25
اندازه بانک	-0.019	3.98	0.00
رشد دارایی	1.17	2.58	0.01
نرخ تورم	0.0004	3.39	0.00
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اسمی	0.13	4.74	0.00

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به آماره t و ارزش احتمال به دست آمده، به غیر از متغیر ترکیب دارایی، سایر متغیرها از نظر آماری در سطح معنی داری ۵ درصد، معنی دار هستند. مطابق نتایج حاصل از برآورد، متغیر فساد اداری، ارتباط منفی و معناداری با بازدهی دارایی دارد؛ به نحوی که بروز فساد اداری در سیستم بانکی، باعث کاهش در بازدهی دارایی به میزان ۰/۰۰۷ واحد (میلیارد ریال) می‌شود. این نتیجه، با مطالعاتی که بر تأثیر مثبت فساد بر سودآوری تأکید دارد، ناسازگار، اما با نتیجه چن و همکاران (Chen and *et al.*, 2015) سازگار است. بر اساس نتایج به دست آمده، حقوق صاحبان سهام و رشد دارایی، رابطه مثبت و معناداری با بازدهی دارایی دارند؛ به نحوی که افزایش یک واحدی در حقوق صاحبان سهام و رشد دارایی، به ترتیب، باعث افزایش ۳،۱۳ و ۱،۱۷ واحدی در بازدهی دارایی می‌شود. این نتیجه، با نتایج مطالعات آلمازاری (Almazari, 2014)، عزتی و همکاران (۱۳۹۵)، ترجیلو-پونس (۲۰۱۳)، مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶) و ابراهیمی و همکاران (Ebrahimi *et al.*, 2015) در مورد نسبت حقوق صاحبان سهام (سرمایه) سازگاری دارد.

برآورد رشد دارایی که رابطه مثبت با سودآوری دارد با نتیجه پاستوری و سوییا (Pastory, D., & Swai, 2013) سازگاری دارد. در مورد متغیر اندازه بانک، نتایج حاصل از برآورد متغیرها نشان می‌دهد که اندازه بانک، ارتباط معنادار و منفی با بازدهی دارایی دارد. به این نحو که افزایش یک واحدی در اندازه بانک، باعث کاهش ۰,۰۱۹ واحدی در بازدهی دارایی می‌شود. در مورد اندازه بانک، می‌توان گفت که با نتایج مطالعات مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶) و آلمازاری (Almazari, 2014) در نمونه موردی بانک‌های عربستان سازگار است و با مطالعات پاستوریک و سوییا (Pastory & Swai, 2013)، گال و همکاران (Gul et al., 2011)، ابراهیمی و همکاران (Ebrahimi et al., 2015)، فرهنگ و همکاران (۱۳۹۵) و آلمازاری (Almazari, 2014)، در نمونه موردی بانک‌های اردن، سازگار نیست.

مطابق نتایج به‌دست‌آمده از برآورد، متغیر «نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اسمی»، ارتباط معنادار و مثبتی با شاخص بازدهی دارایی دارد. به این صورت که با هر واحد افزایش در مقدار متغیر رشد تولید ناخالص داخلی اسمی، شاخص بازدهی دارایی به اندازه ۰,۱۳ واحد افزایش می‌یابد؛ که این نتیجه، با نتایج مطالعات وایزآمان و تارمیزی (Wasiuzzaman & Tarmizi, 2010)، مهربان پور (۱۳۹۴)، تان و فلوروس (Tan & Floros, 2012) و قاسمی همدانی (۱۳۹۶)، سازگار است.

مطابق نتایج به‌دست‌آمده از برآورد، متغیر تورم، ارتباط معنادار و مثبتی با شاخص بازدهی دارایی دارد؛ به این صورت که با هر واحد افزایش در مقدار تورم، شاخص بازدهی دارایی به اندازه ۰,۰۰۰۴ واحد افزایش می‌یابد؛ که این نتیجه، با نتایج مطالعات وایزآمان و تارمیزی (Wasiuzzaman & Tarmizi, 2010)، عزتی و همکاران (۱۳۹۵) و مهربان پور و همکاران (۱۳۹۴)، سازگار است.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد مدل ROE

متغیر	ضریب آزمون	آماره t	احتمال
وقفه بازدهی حقوق صاحبان سهام	-9.15	-2.63	0.00
حقوق صاحبان سهام	3.66	2.60	0.01
فساد اداری	0.012	0.36	0.71
ترکیب دارایی	-0.66	-2.95	0.00
اندازه بانک	-0.16	-3.15	0.00
رشد دارایی	7.75	2.84	0.00
نرخ تورم	0.002	1.87	0.06
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اسمی	0.92	2.07	0.04

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل ROE، نشان می‌دهد که متغیرهای فساد اداری و تورم، از نظر آماری در سطح ۵ درصد، معنی‌دار نیستند. همچنین، متغیر ترکیب دارایی، ارتباط معنادار و منفی با شاخص بازدهی حقوق صاحبان سهام دارد و با هر واحد افزایش در مقدار متغیر ترکیب دارایی، شاخص بازدهی حقوق صاحبان سهام به اندازه ۰,۶۶- واحد کاهش می‌یابد. مطابق نتایج به‌دست‌آمده از برآورد، متغیر اندازه بانک، ارتباط معنادار و منفی با شاخص بازدهی حقوق صاحبان سهام دارد؛ به‌نحوی که با هر واحد افزایش در مقدار متغیر اندازه بانک، شاخص بازدهی حقوق صاحبان سهام، به اندازه ۰,۱۶- واحد کاهش می‌یابد.

مطابق نتایج به‌دست‌آمده از برآورد، متغیر نسبت حقوق صاحبان سهام، ارتباط معنادار و مثبتی با شاخص بازدهی حقوق صاحبان سهام دارد. به این صورت که با هر واحد افزایش در مقدار متغیر نسبت حقوق صاحبان سهام، شاخص بازدهی حقوق صاحبان سهام به اندازه ۳,۶۶ واحد افزایش می‌یابد. متغیر رشد دارایی نیز ارتباط معنادار و مثبتی با شاخص بازدهی حقوق صاحبان سهام دارد؛ به این صورت که با هر واحد افزایش در رشد دارایی، شاخص بازدهی حقوق صاحبان سهام، به اندازه ۷,۷۵ واحد افزایش می‌یابد. مطابق نتایج به‌دست‌آمده از برآورد، متغیر «نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اسمی»، ارتباط معنادار و مثبتی با شاخص بازدهی حقوق صاحبان سهام دارد؛ به این صورت که با هر واحد افزایش در مقدار متغیر رشد تولید ناخالص داخلی اسمی، شاخص حقوق صاحبان سهام به اندازه ۰,۹۲ واحد افزایش می‌یابد.

با توجه به نتایج جدول و با توجه به نتایج آماره F ، فرض صفر مبنی بر عدم همبستگی بین متغیرهای ابزاری با جزء اخلاص رد نمی‌شود و ابزارهای مورد استفاده در هر دو مدل در تمامی برآوردها، از اعتبار لازم برخوردار است.

نتایج آزمون‌های همبستگی سریالی $m1$ و $m2$

در آزمون‌های همبستگی سریالی $m1$ و $m2$ ، فرضیه صفر، نبود همبستگی سریالی در جزء اخلاص است که در یک خروجی معتبر از برآورد ضرایب به روش آرلانو- باند، این همبستگی سریالی جزء اخلاص در مرتبه اول رد می‌شود؛ ولی نمی‌توان همبستگی سریالی جزء اخلاص مرتبه دوم را رد نمود. نتایج جداول ۶ و ۷، نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری ۵ درصد، جزء اخلاص تصریح پویای رگرسیون از همبستگی سریالی مرتبه اول برخوردار نیست؛ ولی در مرتبه دوم، دارای همبستگی سریالی است. این نتایج، نشان از اعتبار ضرایب برآورد شده دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون‌های همبستگی سریالی m1 و m2 در مدل شماره ۱

نوع آزمون	آماره m	rho	ارزش احتمال آزمون
m1	-2.94	-0.22	0.0032
m2	0.23	0.14	0.8125

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۷. نتایج آزمون‌های همبستگی سریالی m1 و m2 در مدل شماره ۲

نوع آزمون	آماره m	rho	ارزش احتمال آزمون
m1	-2.88	-50.54	0.0031
m2	1.60	23.08	0.1032

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مقاله، بر اساس الگوی کاملز، از معیار سودآوری، به‌عنوان شاخص سلامت مالی بانک استفاده شده است و از آنجایی که دو معیار ROA و ROE در کنار هم، اطلاعات بهتری از نحوه عملکرد بانک‌ها را نشان می‌دهند، از این دو معیار برای ارزیابی سودآوری بانک‌ها به‌عنوان شاخص سلامت مالی استفاده شده است. همچنین در این مطالعه، برای فساد اداری موجود در بانک که ناشی از عدم رعایت قانون و تخلف در اجرای دقیق قوانین موضوعه می‌باشد و باعث عدم کارایی و اثربخشی قوانین خواهد شد، از انحراف حق‌الوکاله دریافتی و حق‌الوکاله قانونی، به‌عنوان معیاری برای ادراک فساد اداری استفاده شده است. در حقیقت، بر اساس قانون عملیات بانکداری بدون ربا (ماده ۳ تبصره بند ب)، بانک از طرف سپرده‌گذار برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار و به کار گرفتن آنها، وکیل است تا این وجوه را در اموری مانند مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار دهد و درصد مشخصی از خالص منابع سپرده‌گذاران را به‌عنوان حق‌الوکاله دریافت کند. حق‌الوکاله جزء درآمدهای غیر بهره‌ای بانک محسوب می‌شود. بر اساس ماده ۲۳ این قانون، در عملیات بانکداری بدون ربا نیز، وجوه تحت عنوان کارمزد و حق‌الوکاله، جزو درآمدهای بانک‌ها بوده و قابل تقسیم بین سپرده‌گذاران نیست.

با تجزیه و تحلیل دو مدل ارائه‌شده در مقاله، نتایج نشان می‌دهد که در مدل اول، بروز فساد اداری موجود در بانک، ناشی از ضعف نظارتی موجود، تأثیر منفی و معنی‌داری بر ROA به‌عنوان معیار سلامت مالی بانک‌ها داشته است؛ در حالی که بروز فساد در مدل دوم، تأثیر معنی‌داری بر ROE به‌عنوان معیار سلامت مالی بانکی نشان نمی‌دهد. نتایج این دو مدل در کنار هم، به این نکته تأکید دارند که میزان اضافه دریافتی از حق‌الوکاله قانونی، تأثیر معنی‌دار و معکوس (کاهنده) بر درآمد بانک

داشته و به کاهش ROA منجر شده است ($\frac{\text{درآمد خالص}}{\text{کل دارایی}}$). به عبارت دیگر، اختلاف موجود در دریافتی‌های حق‌الوکاله که در اختیار مدیران بانکی تا تسهیل‌کننده و مقوم فعالیت‌های بانکی شده و افزایش کارایی نیروی انسانی و بهبود سطح درآمدهای بانکی را به دنبال داشته باشد، نتوانسته است، هیچ تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ROE داشته باشد.

بنابراین، برخلاف برخی دیدگاه‌ها که فساد را به گریس چرخ‌ها تعبیر می‌کنند و از آن به‌عنوان مشوقی برای کارمندان دولت برای انجام وظایف‌شان یاد می‌نمایند، فساد اداری در سیستم بانکی، نه تنها به سودآوری بانکی (ROA) منجر نمی‌شود، بلکه کاهش آن را نیز به دنبال دارد. در خصوص تأثیر فساد اداری بر تسهیل امور بانکی و افزایش ROE نیز، هیچگونه شواهدی در خصوص تأثیر گذاری مثبت فساد بر ROE مشاهده نمی‌شود و در حقیقت، فساد اداری در خصوص این معیار سودآوری نیز، هیچگونه نقش مثبتی ایفا نمی‌کند.

به‌علاوه، می‌توان به این حقیقت نیز اشاره کرد که بروز فساد اداری ناشی از نقض قانون که ناشی از ضعف‌های نظارتی یا عدم وجود بازدارندگی مناسب است، باعث کاهش سلامت مالی بانک از طریق کانال رقابت نیز می‌شود. بدین صورت که بانک‌ها بعد از ارائه سود علی‌الحساب، باید پس از محاسبه سود حاصل شده نهایی، نسبت به مدت و رقم سپرده مشتریان، سود مازاد بر سود علی‌الحساب را پس از کسر حق‌الوکاله بانک، به حساب سپرده‌گذار واریز کنند. دریافت حق‌الوکاله بانکی بالاتر از نرخ قانونی، به کاهش سود علی‌الحساب منجر شده و کاهش جذابیت بانک نزد سپرده‌گذاران را به دنبال خواهد داشت. وجود چنین فساد، باعث کاهش سلامت مالی بانک‌ها از طریق کاهش سپرده‌ها می‌شود و به عبارت دیگر، فساد اداری به‌عنوان «شن و ماسه چرخ‌ها» عمل می‌کند و تأثیر منفی در توسعه منابع بانکی و سودآوری دارد.

لازم به ذکر است که کارمزدها، به پرداخت ثابت اشاره دارد و حق‌الوکاله، اغلب به‌عنوان درصدی از ارزش هر تراکنش که مشتری دستور می‌دهد، محاسبه می‌شود. در بخشنامه‌های سیاستی و نظارتی بانک مرکزی، میزان سقف حق‌الوکاله ارائه می‌گردد، ولی نوع و مبلغ عملیاتی دریافت آن توسط مدیریت بانکی بر اساس اصل رقابت مشخص می‌شود. از این رو، کارمزد و یا حق‌الوکاله با نرخ بالا، جذابیتی برای سپرده‌گذاران ایجاد نمی‌کند؛ زیرا هرچه این رقم بیشتر باشد، سود پرداختی به مشتریان کمتر خواهد بود و باعث ایجاد رقابت برای بانک‌ها برای جذب منابع سپرده‌گذاری می‌شود.^۱

۱. در نحوه محاسبه حق‌الوکاله مطابق دستورالعمل مربوطه، این نرخ در متوسط منابع آزاد سپرده‌گذاران ضرب می‌شود تا مبلغ حق‌الوکاله حاصل شود، اما در صورتی که متوسط مصارف مشاع کمتر از متوسط منابع آزاد سپرده‌گذاران باشد (یعنی بانک تمام منابع آزاد سپرده‌گذاران را در مصارف مشاع به کار نگرفته باشد)، نرخ حق‌الوکاله در متوسط مصارف مشاع ضرب می‌شود (بدری، ۱۳۹۴). تجزیه تحلیل صورت‌های مالی، نشان می‌دهد که بسیاری از بانک‌ها برای دریافت حق‌الوکاله خود از متوسط سپرده سرمایه‌گذاران به عنوان عامل دریافتی خود استفاده، و درصد

در مورد متغیرهای تحت بررسی نسبت حقوق صاحبان سهام، چنین می‌توان گفت که در هر دو مدل، این نسبت رابطه مستقیمی با سلامت مالی بانک دارد. این به معنای اهمیت و نقش سهامداران بانک‌ها در تأمین کل دارایی‌های بانک‌ها (شرکت‌ها) است؛ به نحوی که نسبت‌های بزرگ‌تر سرمایه آزاد می‌تواند بانک‌ها را وادار به افزایش پورتفولیوی دارایی‌های ریسک در شکل وام یا اوراق بهادار کند.

از سوی دیگر، متغیر اندازه بانک در هر دو مدل، بر سلامت مالی تأثیر منفی دارد. در نتیجه، فرضیه استفاده از اقتصادهای مقیاس در بانک‌های ایران، رد می‌شود. همچنین هر دو مدل، بر تأثیر معنادار و مثبت رشد دارایی بر سلامت مالی بانک تأکید دارند. رشد بالای بانک از طریق کانال جذب سرمایه، باعث افزایش سلامت مالی بانک می‌شود. اغلب سرمایه‌گذاران به دنبال سرمایه‌گذاری در بانک‌هایی هستند که فرصت رشد بالایی دارند. بانک‌هایی که از رشد دارایی بالایی برخوردار باشند، فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر و احتمالاً بازده و سود بیشتر در آینده خواهد داشت و از این طریق، از سطح سلامت مالی بالاتری برخوردار خواهند بود.

در هر دو مدل، رشد اقتصادی، تأثیر معنی‌دار و مثبتی بر سلامت مالی بانک دارد. از این‌رو، می‌توان گفت که چرخه‌های مثبت اقتصادی، تأثیر مستقیمی از طریق کیفیت اعتبارات بر سلامت مالی بانک‌ها داشته است. نتایج مربوط به متغیر تورم، بر تأثیر مثبت بر سلامت مالی مبتنی بر ROA بانک، تأکید دارد که نشان‌دهنده این است که تورم، به تعدیل عملیاتی نرخ‌های حقیقی تسهیلات منجر خواهد شد.

در مورد ارتباط منفی ترکیب دارایی با سودآوری بانک نیز نتایج نشان می‌دهد که نسبت وام به کل دارایی که نشانگر قدرت دارایی بانک است، می‌تواند نقش مهمی در سودآوری بانک ایفا نماید. با توجه به مباحث بیان‌شده، می‌توان چنین استنباط نمود که عدم توجه به سلامت اداری، می‌تواند رشد بانک‌ها را تحت تأثیر جدی منفی قرار دهد. از طرفی، با توجه به شاخص‌های کم‌لر که سودآوری، یکی از معیارهای مهم آن است، عدم رعایت استانداردهای نظارتی و اداری از سوی بانک مرکزی، می‌تواند باعث افزایش ریسک بانک‌ها، افزایش مشکلات نهادی، آسیب‌پذیری بانک‌ها و کاهش

حق الوکاله بر متوسط انواع سپرده‌ها اعمال کرده‌اند. این در حالی است که بر اساس قانون بانکداری بدون ربا، ایران، حق الوکاله زمانی معنا پیدا می‌کند که بانک منابع سپرده‌گذاران را به عنوان وکیل سپرده‌گذار به کار گیرد و در قبال هزینه‌ها، درصدی به عنوان حق الوکاله دریافت کند. در صورت‌های مالی بانک، بانک مرکزی قلمی را به عنوان متوسط سپرده قانونی سپرده‌گذاران از بانک دریافت می‌کند. با کسر این قلم می‌توان گفت تنها منبعی که بانک‌ها می‌توانند به عنوان وکیل سپرده‌گذاران به کار گیرند، خالص منابع سپرده‌گذاران (میانگین مانده پایان هفته منابع سپرده‌گذار پس از کسر میانگین مانده پایان هفته سپرده قانونی تودیع شده) می‌باشد. پس در نتیجه بانک مجاز به دریافت درصدی از خالص منابع سپرده‌گذاران، با توجه به اصل وکالت می‌باشد و دریافت و اعمال حق الوکاله بر متوسط انواع سپرده‌گذاران با ماهیت حق الوکاله مغایر است.

رقابت‌پذیری شود. از این‌رو، می‌توان پیشنهادات سیاستی زیر را برای مقابله با فساد اداری در سیستم بانکی ایران ارائه داد:

۱- مهم‌ترین راهبرد عملیاتی، افزایش کیفیت و مراحل نظارت بانک مرکزی بر اجرای درست قوانین توسط بانک‌ها است. قانون، زمانی مفید واقع می‌شود که توسط قوه اجرایی آن، به مرحله اجرا گردد و بر درست اجرا شدن آن، نظارت شود. اعمال قانون برای بانک یا هر نهادی پولی و مالی، باهدف سلامت آن نهاد و جلوگیری از رانت‌خواری، اعمال می‌گردد و از این‌رو، وجود رانت‌های موجود و با توجه به ساختار بانک که با حجم وسیعی از منابع جامعه سرکار دارد، بسیار محتمل است. بنابراین، نظارت دقیق مستقیم و غیرمستقیم در کنار اقدامات پیشگیرانه، از اهمیت ویژه برخوردار است.

۲- دومین پیشنهاد سیاستی برای مقابله با فساد در سیستم بانکی ایران، وادار کردن بانک‌ها برای اجرای درست قوانین نظارتی با افزایش جریمه‌ها و اطلاع‌رسانی عمومی است. جریمه‌های سنگین، انگیزه بانک‌ها برای شانه خالی کردن از قوانین را از کانال افزایش هزینه‌ها، کاهش می‌دهد. اطلاع‌رسانی عمومی به مردم نسبت به عملکرد بانک، می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر اعتبار بانک‌ها، از عدم رعایت قوانین توسط بانک‌ها جلوگیری کند.

۳. در این مطالعه، از قلم درآمد‌های غیر بهره‌ای (حق الوکاله) به‌منظور بررسی بروز یا عدم بروز فساد در سیستم بانکی استفاده به عمل آمده، و در مطالعه انجام‌شده توسط احمدیان (۱۳۹۶) و بررسی درآمد‌های غیر بهره‌ای، قلم کارمزد به‌عنوان اصلی‌ترین عامل درآمد غیر بهره‌ای معرفی شده است. نحوه دریافت این قلم نیز مانند قلم حق الوکاله توسط بانک مرکزی به‌صورت بخشنامه تحت عنوان بسته‌های نظارتی- سیاستی ابلاغ می‌شود. بررسی دریافت‌های کارمزدی توسط بانک، نشان‌دهنده عدم شفافیت در ارقام کارمزدی است. از این‌رو، افزایش شفافیت در ارقام کارمزدی با توجه به ماهیت مشابه با حق الوکاله، می‌تواند در ارتقاء سلامت اداری مؤثر باشد.

۴- در مطالعات انجام‌شده در صورت‌های مالی بانک‌ها، به دو نکته مهم انحرافی می‌توان اشاره کرد. اولین مورد، در نظر گرفتن میانگین سپرده‌های سرمایه‌گذاری به‌عنوان قلمی که حق الوکاله بر آن اعمال می‌شود. این در حالی است که بانک مرکزی درصدی از این سپرده‌ها را به‌عنوان سپرده قانونی از اختیار بانک خارج می‌کند. در این صورت، اعمال حق الوکاله به میانگین سپرده‌های سرمایه‌گذاری، مغایر با اصل وکالت و قانون می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود، پایه دریافت حق الوکاله با دقت و کنترل بیشتری ارزیابی گردد. مورد دوم اینکه، بانک‌ها باید بر اساس اصل شفافیت، نحوه اعمال حق الوکاله را در صورت‌های مالی ذکر کنند؛ در حالی که در برخی از سال‌ها، نحوه اخذ حق الوکاله ذکر نشده است. پیشنهاد می‌شود که بانک مرکزی با توجه به نقش نظارتی خود در این امر، اقدامات لازم را برای جلوگیری از فساد موجود انجام دهد.

منابع و مآخذ

- احمدی، سید علی اکبر؛ همایونی، غلامحسین و عسگری آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۴). فساد اداری و مالی در سازمان های امروزی. تهران: فوژان.
- احمدیان، اعظم (۱۳۹۶). اهمیت ترکیب دارایی و بدهی بانکها در تعیین رتبه نظارتی بانکها. پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۲.
- اسلامی، اکرم و جاج ده آبادی، محمدعلی (۱۳۹۷). بررسی جرمشناختی جرایم مالی کارکنان دولت (رویکرد کلان). قانون یار، دوره دوم، شماره ۸.
- بدری، احمد (۱۳۹۴). صورت عملکرد سپرده های سرمایه گذاری: ارتقای پاسخگویی در مدل کسب و کار بانکداری بدون ربا، همگرا با IFRS، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- جدی، حسین (۱۳۸۹). ریشه های فساد اداری و شیوه های مبارزه با آن. نشریه سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۲-۲۸۱: ۱۲۷-۱۱۸.
- خادمی، وحید (۱۳۸۴). ارتباط بین فرصت های سرمایه گذاری و رشد دارایی ها در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۲۰۷: ۷۷-۷۴.
- دادگر، حسن و معصومی نیا، غلامعلی (۱۳۸۳). فساد مالی. انتشارات کانون اندیشه جوان.
- دارابی، رویا و مولایی، علی (۱۳۹۰). اثر متغیر های نقدینگی، تورم، حفظ سرمایه، تولید ناخالص داخلی بر سود آوری بانک ملت. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۴ (شماره ۲ (پیاپی ۱۰)): ۱۸۲-۱۳۹.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۶). سرطان اجتماعی فساد. شرکت سهامی انتشار.
- زرنندی، سعید؛ حمیدی حصار، یاسین و معدنی، جواد (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر فساد اداری در سازمان های دولتی جمهوری اسلامی ایران. مجلس و راهبرد، ۲۴ (۹۱): ۲۰۲-۱۶۵.
- شاهچرا، مهشید و چوزانی، نسیم (۱۳۹۵). تنوع پذیری درآمدها و سودآوری در شبکه بانکی کشور. فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال چهارم، ش ۱۴: ۵۲-۳۳.
- شاهرخی، غلامرضا (۱۳۸۵). نظری اجمالی بر انواع ریسک بانکی، مدیریت ریسک و نظارت مبتنی بر ریسک. بانک و اقتصاد، شماره ۷۸.
- صحت، سعید؛ مسافری راد، فراز و شریعت پناهی، سید مجید (۱۳۹۰). رابطه بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی در صنعت بیمه. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۸ (۳۲): ۱۴۰-۱۲۱.
- عباس زادگان، سید محمد (۱۳۸۳). فساد اداری. چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

- عزتی، مرتضی؛ عاقلی، لطیفه و کشاورزساجی، نفیسه (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های اسلامی (کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی). *فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره پانزدهم: ۱۳۹-۱۵.
- فتاحی، شهرام؛ رضایی، مهدی و جاهد، طاهره (۱۳۹۵). تأثیر سلامت بانکی بر سودآوری بانک‌های تجاری: رویکرد رگرسیون پانل آستانه. *راهبرد مدیریت مالی*، سال پنجم، ش ۱۶: ۲۹-۵۰.
- فرج پور، مجید (۱۳۸۳). فقر و فساد و تبعیض، موانع توسعه در ایران. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- فرهنگ، امیرعلی؛ اثنی عشری، ابوالحسنی، رنجبر فلاح، بیابانی، جهانگیر (۲۰۱۶). درآمد غیر بهره‌ای، ریسک و سودآوری در صنعت بانکداری. *فصلنامه علمی-پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۰(۳۵)، ۴۷-۷۰.
- قادری، مهدی (۱۳۸۸). فساد اداری در ایران؛ تحلیلی جامعه‌شناختی. *معرفت*، شماره ۱۳۸: ۱۱۸-۱۰۵.
- قاسمی همدانی، پریسا (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های ایران. پایان نامه ارشد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی، دانشگاه تبریز.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۷). خودمداری ایرانیان، تهران: انتشارات اختران: ۱۶.
- مجتهد، احمد (۱۳۸۷). خصوصی‌سازی بانک‌ها و تأثیر آن بر عملکرد نظام بانکی. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- محمد نبی، حسین (۱۳۸۰). فساد اداری و مبارزه با آن از منظر سازمان ملل متحد. شماره ۹: ۴۲-۳۸.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۶). حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران. ج ۴، تهران: انتشارات سرو.
- مهربان پور، محمد رضا؛ نادری نورعینی، محمد مهدی؛ اینالو، عفت و اشعری، الهام (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۴(۵۴): ۱۱۹-۱۴۰.
- نجاری، رضا (۱۳۷۸). علل تخلفات اداری و چگونگی پیشگیری از آنها. همایش نظام اداری و توسعه سازمان امور اداری و استخدامی، تهران ۱۷ و ۱۸.
- Aburime, T. U. (2009). Impact of corruption on bank profitability in Nigeria. *Euro Economica*, 23(2): 50-57.
- Ahamed, M. M. (2017). Asset quality, non-interest income, and bank profitability: Evidence from Indian banks. *Economic Modelling*, 63: 1-14.
- Aidt, T. S. (2009). Corruption, institutions, and economic development. *Oxford Review of Economic Policy*, 25(2): 271-291.

- Almazari, A. A. (2014). Impact of internal factors on bank profitability: Comparative study between Saudi Arabia and Jordan. *Journal of Applied finance and banking*, 4(1), 125.
- Amarandei, C. M. (2013). Corruption and foreign direct investment. Evidence from Central and Eastern European States. *CES Working Papers*, 5(3): 311-322.
- Arshad, S., & Rizvi, S. A. R. (2013). Impact of corruption on bank profitability: An analysis of Islamic Banks. *International Journal of Business Governance and Ethics*, 8(3): 195-209.
- Avnimelech, G.; Zelekha, Y., & Sharabi, E. (2014). The effect of corruption on entrepreneurship in developed vs non-developed countries. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 20(3): 237-262.
- Ayaydin, H., & Baltacı, N. (2013). Corruption, banking sector, and stock market development: A panel data analysis. *Management*, 94, 99.
- Bai, B. Y.; Liu, X. X., & Kou, Y. (2014). Belief in a just world lowers perceived intention of corruption: The mediating role of perceived punishment. *PloS one*, 9(5), e97075.
- Bhargava, V. (2005). The Cancer of Corruption. In World Bank global issues seminar series (pp. 1-9).
- Bougatef, K. (2015). The impact of corruption on the soundness of Islamic banks. *Borsa Istanbul Review*, 15(4): 283-295.
- Bougatef, K. (2017). Determinants of bank profitability in Tunisia: Does corruption matter? *Journal of Money Laundering Control*, 20(1): 70-78.
- Brandt Hjertstedt, A., & Cetina, H. (2016). Why does corruption have different effects on economic growth? A case study of Sub-Saharan Africa and Southeast Asia.
- Chen, M.; Jeon, B. N.; Wang, R., & Wu, J. (2015). Corruption and bank risk-taking: Evidence from emerging economies. *Emerging Markets Review*, 24: 122-148.
- Demirgüç-Kunt, A., & Huizinga, H. (2010). Bank activity and funding strategies: The impact on risk and returns. *Journal of Financial Economics*, 98(3): 626-650.
- Djankov, S.; Glaeser, E.; La Porta, R.; Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A. (2003). The new comparative economics. *Journal Of Comparative Economics*, 31(4): 595-619.
- Ebrahimi, M.; Arshadi, A., & Salimi, M. S. (2015). Effective factors on bank profitability in Iran. *Journal of Money and Economy*, 10(1): 107-129
- García-Herrero, A.; Gavilá, S., & Santabárbara, D. (2009). What explains the low profitability of Chinese banks?. *Journal of Banking & Finance*, 33(11): 2080-92.
- Gul, S.; Irshad, F., & Zaman, K. (2011). Factors affecting bank profitability in Pakistan. *Romanian Economic Journal*, 14(39).

- Heshmati, H. M. (2007). Economic approaches of corruption in banking system. Unpublished.
- Hooshyari, N., & Moghanloo, A. P. (2015). Evaluating the impact of inflation on profitability of banks. *Kuwait Chapter of the Arabian Journal of Business and Management Review*, 4(9), 19.
- Huntington, S. (1968). *Political Order in Changing Societies*. New Haven: Yale University Press.
- Lee, W. S., & Guven, C. (2013). Engaging in corruption: The influence of cultural values and contagion effects at the microlevel. *Journal of Economic Psychology*, 39: 287-300.
- Leff, N. H. (1964). Economic development through bureaucratic corruption. *American Behavioral Scientist*, 8(3): 8-14.
- Lui, F. T. (1985). An equilibrium queuing model of bribery. *Journal of Political Economy*, 93(4): 760-781.
- Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 110(3): 681-712.
- Méon, P. G., & Sekkat, K. (2005). Does corruption grease or sand the wheels of growth? *Public Choice*, 122(1-2): 69-97.
- Mongid, A., & Tahir, I. M. (2011). Impact of corruption on banking profitability in ASEAN countries: An empirical analysis. *Impact of corruption on banking profitability in ASEAN countries: An empirical analysis*, A Mongid, IM Tahir-Banks and Bank Systems, 6(1), 8.
- Papilla, D., & Cove, P. (2011). Corruption and Economic Growth in Croatia. *Oeconomica Jadertina*, 1(2): 85-99.
- Pastory, D., & Swai, J. P. (2013). The Relationship between Bank Growth and Profitability, Empirical Evidence from Eac: Panel Data Analysis.
- Pellegrini, L., & Gerlagh, R. (2004). Corruption's effect on growth and its transmission channels. *Kyklos*, 57(3): 429-456.
- Reinikka, R., & Svensson, J. (2004). Local capture: Evidence from a central government transfer program in Uganda. *The quarterly journal of economics*, 119(2): 679-705.
- Seleim, A., & Bontis, N. (2009). The relationship between culture and corruption: A cross-national study. *Journal of Intellectual Capital*, 10(1): 165-184.
- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1993). Corruption. *The Quarterly Journal of Economics*, 108(3): 599-617.
- Sufian, F., & Chong, R. R. (2008). Determinants of bank profitability in a developing economy: Empirical evidence from the Philippines. *Asian Academy of Management Journal of Accounting & Finance*, 4(2): 91-112.
- Svensson, J. (2005). Eight questions about corruption. *Journal of Economic Perspectives*, 19(3): 19-42.

- Tajgardoon, G.; Behname, M., & Noormohamadi, K. (2012). Is profitability as a result of market power or efficiency in Islamic banking industry?. *Economics and Finance Review*, 2(5): 01-07.
- Tan, Y., & Floros, C. (2012). Bank profitability and inflation: The case of China. *Journal of Economic Studies*, 39(6): 675-696.
- Trujillo-Ponce, A. (2013). What determines the profitability of banks? Evidence from Spain. *Accounting & Finance*, 53(2): 561-586.
- Wasiuzzaman, S., & Tarmizi, H. A. B. A. (2010). Profitability of Islamic banks in Malaysia: An empirical analysis. *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, 6(4): 53-68.
- Eide, E. (1995). Economics of crime: Deterrence and the rational offender. *Journal of Economic Literature*, 33(4): 2008-10.
- Tanzi, V. (1998). Corruption Around the World: Causes, Consequences, Scope and Cures, IMF, Staff Papers 45: 559-94.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی